



## واکاوی نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری آشوب‌های اجتماعی آبان ۱۳۹۸ در ایران

حسین حسینی جیردهی<sup>۱</sup> | محمد باوندپوری<sup>۲\*</sup> | سید زکریا محمودی رجا<sup>۳</sup>

### چکیده

نفوذ و رسوخ گسترده فضای مجازی و ابزارهای اینترنتی، سبک زندگی پویا و متحرکی در زیستمان انسان‌های مدرن ایجاد کرد. به تبع این تحولات، سطوح و ابعاد مختلف حکمرانی-سیاسی اجتماعی دولت‌ها، شبکه‌سازی ارتباطات و تعاملات شهروندان به نحو محسوس و پنهانی تحت تأثیر قرار گرفت. این امر فرصت و تهدیداتی پیشروی دولت‌ها، شهروندان، اقلیت‌ها، طبقات و روابط متقابل فی‌مابین ایجاد کرده است. وقوع انقلاب اسلامی در ایران، بستر ساز و استمرار نبرد فرهنگی، ایدئولوژیک، تمدنی و الگوی حکمرانی با نظام سلطه در سطح دنیا گردید. در راستای مقابله با اقتدار، پیشرفت و قدرت نرم جمهوری اسلامی، به صورت زنجیره‌وار، ابزارها و تاکتیک‌های مختلفی برای بی‌ثبات‌سازی سیاسی-اجتماعی و اقتصادی ایران، در دستور کار اتاق فکر و عملیاتی آن‌ها قرار گرفت. در این راستا در ادامه نبردهای نرم و با هدف استمرار اغتشاشات خیابانی و آشوبگری در فضای مجازی و ماهواره‌ای اقدامات ترکیبی چون (بسیج جمعی معترضین، انسجام اپوزیسیون‌ها و معاندین، جدایی طلبی‌های قومی مذهبی، تحریک و تهییج هیجان‌ها و استفاده ابزاری از برخی مشکلات و معضلات زیست محیطی و اقتصادی و...) علیه دستاوردهای انقلاب به کار بسته‌اند. در این پژوهش مساعی بر آن بود که با روش کیفی و بهره‌گیری از الگوی مفهومی جنگ نرم و نبرد شناختی، به این سؤال اصلی پاسخ دهد که شبکه‌های اجتماعی چگونه در آشوب‌های آبان ۹۸ در ایران نقش داشته‌اند؟ یافته‌های پژوهش با تجزیه و تحلیل منابع اینترنتی، اعترافات برخی مغفولین و صحبت‌های کارشناسان مرتبط و نیز بهره‌گیری از منابع اسنادی-کتابخانه‌ای حاکی از آن بود که عضویت اکثریت جمعیت جوان کشور در شبکه‌های مجازی و پلتفرم‌های غیربومی، زمینه مناسب را برای پیشبرد عمیق جنگ نرم و تاکتیک‌های ترکیبی و پیچیده (شبیه‌زایی، مشروعیت‌دایی، برجسته‌سازی نقاط منفی، القای الگوی حکمرانی ناکارآمد و...) در فضای ماهواره‌ای و مجازی فراهم کرد. این شبکه با تهییج عواطف، تحریک هیجان‌ها و جوانان و جهت‌دهی نامطلوب مطالبات جوانان به سمت وسوی خاص، نقش اصلی را در بسیج اجتماعی، آشوب‌های خیابانی، رفتارهای خشونت‌بار و خسارت‌آفرین بر عهده داشت.

**کلیدواژه‌ها:** آشوب اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، جنگ نرم، اغتشاشات آبان‌ماه

DOR: 20.1001.1.25381857.1402.16.58.1.1

۱. دانشیار، گروه مدیریت بحران، دانشگاه جامع امام حسین<sup>(ع)</sup>، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشکده پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup>، دانشگاه جامع امام حسین<sup>(ع)</sup>، تهران، ایران  
bavand.mohammad@yahoo.com

۳. دکترای علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی<sup>(ع)</sup>، تهران، ایران

## مقدمه و بیان مسئله

در دنیای امروز تحولات فناورانه، مقوله ارتباطات و تبادل اطلاعات را به حد وسیعی توسعه داده است. رسانه‌ها با انواع و اشکال گوناگون، در حال تکثیر و ازدیاد هستند که یکی از انواع رسانه‌های نوین در فضای سایبری، شبکه‌های اجتماعی است. در واقع امروزه فراگیری اینترنت و فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی، موجب ظهور فضای مجازی در کنار جهان واقعی شده که این امر معادلات و الگوهای ارتباطات سنتی، تولید، انتقال و مصرف اطلاعات را به هم زده و موجب تغییر در آن شده است. چنین فضایی که به‌عنوان واقعیت مجازی یکپارچه، در نظر گرفته می‌شود، از ویژگی‌هایی چون: بی‌مکانی، فرازمان بودن، صنعتی بودن محض، عدم محدودیت به قوانین مدنی متکی بر دولت-ملت‌ها، از معرفت‌شناسی تغییر شکل یافته پسامدرن برخوردار بودن، قابل دسترس بودن هم‌زمان، روی فضا بودن و برخورداری از فضاهای فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی، سیاسی و نیز آزادی از هویت بدنی و جنسی جدید برخوردار است (نش، ۱۳۸۵: ۸۵).<sup>۱</sup> باین وجود، شبکه‌های اجتماعی مجازی، امروزه نقش بسیار مهمی در خلق این فضای مجازی دارند؛ و از خلال همین واقعیت‌های مجازی است که یکسری پدیده‌ها از قبیل اعتراضات و آشوب‌های اجتماعی شکل می‌گیرند (ماه‌پیشانیان: ۱۳۹۰، ۱۷). در واقع حضور افراد در شبکه‌های اجتماعی احتمال مشارکت‌ها و کنش‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد و همین عامل خود زمینه‌ساز بسیاری از حرکت‌های جمعی و بحران‌های اجتماعی می‌باشد. براین اساس و باتوجه به ظرفیت موجود در شبکه‌های اجتماعی، امروزه این شبکه‌ها مورد توجه قدرت‌های بزرگ قرار گرفته‌اند؛ به‌طوری که آن‌ها شبکه‌های اجتماعی را به‌عنوان یک ابزار کارآمد و مؤثر در جهت تحت‌تأثیر قراردادن افکار عمومی کشورهای هدف برای پیشبرد اهداف و سیاست‌های خود قلمداد می‌نمایند. در حقیقت در شرایط کنونی پدیده انقلاب ارتباطات و محصول کاملاً شناخته‌شده آن یعنی اینترنت (به‌خصوص در ارتباط با شبکه‌های اجتماعی) در حال ایجاد تغییرات اساسی و وسیعی در ماهیت و اشکال و ساختارهای قدرت در جوامع مختلف اعم از پیشرفته و در حال توسعه است (میناوند، ۱۳۸۵: ۱۲۲) و مفهوم قدرت و عناصر تشکیل‌دهنده ساختارهای آن به‌عنوان ابزار و هدف اساسی در عملکردهای سیاسی جوامع و کشورها در عرصه نظام بین‌الملل، به نسبت زیادی در ارتباط با میزان توسعه و

1. Keith Nash

پیشرفت کشورها در زمینه فناوری ارتباطات و اطلاعات و فناوری‌های الکترونیکی ارزیابی می‌شوند (حسینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۴) به طوری که تقریباً می‌توان گفت که بیشتر شبکه‌های اجتماعی مطرح در دنیا، از سوی مؤسسات مطرح و وابسته به ایالات متحده آمریکا تأسیس و حمایت شده‌اند؛ و سهم دیگر کشورها در ایجاد و توسعه جهانی شبکه‌های اینترنتی بسیار کم بود است؛ و حتی کاربران در اقصی نقاط دنیا، رغبتی برای عضویت و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی داخلی نداشته‌اند؛ و به دلیل استقبال بی‌نظیر و گسترده کاربران از این شبکه‌ها و بازدید دائمی هر یک از آنان از صفحه‌های خود در شبکه‌ها، اجتماع آنان توانسته است نقش بسیار مؤثر و گسترده‌ای را در ایجاد اجتماعات، تحولات و بحران‌ها با اغراض صحیح یا ناصحیح ایجاد کند (اکبری؛ ۱۳۸۹: ۳۴)

با این توضیح می‌توان گفت قدرت‌های غربی و در رأس آن‌ها ایالات متحده به دلیل داشتن موقعیت برتر در عرصه تکنولوژی و فناوری‌های ارتباطی جهت مقابله با بازیگران مخالف با سیاست‌های خود در نظام بین‌الملل و در چارچوب مقوله جنگ نرم، از شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک ابزار کارآمد و مفید بهره می‌برند. در حقیقت در جنگ نرم شبکه‌های اجتماعی از اصلی‌ترین ابزار نفوذ میان مردم و تأثیرگذاری در مخاطبان برای جهت‌دهی، سازمان‌دهی و تحریک و تهییج هستند؛ و از جمله این کشورها که در طی سالیان اخیر بارها و با بهانه‌های مختلف (انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸، آشوب‌های دی‌ماه ۱۳۹۶) آماج این حملات قرار گرفته است، جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که اخیراً نیز در آبان‌ماه ۱۳۹۸ و در پی افزایش قیمت بنزین شاهد حضور و نقش‌آفرینی شبکه‌های اجتماعی در جهت‌دهی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی و همچنین ایجاد تجمعات و آشوب‌های اجتماعی بودیم.

در مورد اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش باید گفت که بحران، مدیریت و پیشگیری از وقوع بحران امروزه در امنیت پایدار دولت‌های مختلف به عنوان یک راهبرد مهم و پیچیده مطرح است. این مسئله در جمهوری اسلامی ایران که پس از انقلاب اسلامی مورد تهاجم همه‌جانبه جهت بی‌ثباتی سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی از سوی نظام سلطه قرار گرفته است، بیشتر از همه مهم و حیاتی است. هرچند امروزه ناآرامی و آشوب‌های شهری، به‌ویژه در شهرهای بزرگ از جمله مسائل عادی و متداول جوامع محسوب می‌شود اما نمی‌توان انکار کرد که این کنش‌های

اجتماعی سیال بوده و می‌تواند در طیفی از انتقاد سازنده و اصلاحی تا شورش و انقلاب به‌قصد تغییر نظام سیاسی حاکم شدت یابد و همواره تأثیرات مهمی بر امنیت داشته باشد. همچنین آنکه در چند سال اخیر ایجاد آشوب و اغتشاش در راستای راهبرد جنگ نرم در سیاست خارجی آمریکا به‌شدت مورد توجه قرار گرفته و زمینه لازم برای پیگیری سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا تحت عنوان تغییر از درون یا انقلاب‌های مخملی در جوامع هدف به شمار می‌آید. از آنجایی که شبکه‌های اجتماعی و نقش آفرینی و توان تأثیرگذار آن‌ها در تحولات جوامع امروزی و داشتن شناخت در این رابطه خود از اهمیت زیادی برخوردار است. می‌توان با احاطه یافتن بر ماهیت و کارکردهای این شبکه‌ها و شیوه‌های مورد استفاده توسط آن‌ها، گامی مهم در شناخت دقیق و عمیق فعالیت‌های رسانه‌ای دشمن و ایادی داخلی آن و مقابله با حملات رسانه‌ای احتمالی در آینده است.

در این پژوهش ابتدا ضمن بررسی نقش و جایگاه شبکه‌های اجتماعی در جنگ نرم و همچنین پدیده آشوب‌های اجتماعی، به دنبال تبیین نقش و جایگاه شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از عوامل ایجاد و همچنین تشدیدکننده آشوب‌های آبان‌ماه ۹۸ و بعد از تصویب لایحه افزایش قیمت بنزین هستیم؛ لذا تلاش می‌شود به این سؤالات پاسخ دهد که عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری آشوب‌های اجتماعی آبان‌ماه ۱۳۹۸ در ایران کدام‌اند؟ شبکه‌های اجتماعی چگونه در ایجاد آشوب‌های اجتماعی آبان‌ماه ۱۳۹۸ نقش داشتند؟ جهت پاسخ و تبیین مسئله تحقیق و سؤالات از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و رسانه‌های مجازی استفاده شد.

### چارچوب مفهومی پژوهش: جنگ ترکیبی<sup>۱</sup> با ابزار رسانه‌ای

برای فهم بهتر ماهیت و محتوای نبردهای فعلی در سطح منطقه و جهان، نیازمند است جنگ نرم به‌عنوان مهم‌ترین استراتژی<sup>۲</sup> برخی قدرت‌ها علیه دولت‌های هدف مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. امروزه قدرت نرم نه به‌عنوان یک نظریه، بلکه به‌عنوان یک شیوه عمل مورد استفاده حکومت‌ها قرار می‌گیرد و کاربرد رو به افزایشی نیز برای آن متصور است به‌نحوی که می‌توان آن را شیوه نوین استعمار غرب دانست. هرچند اندیشمندان و اتاق‌های فکر مختلفی در طراحی و تدوین این استراتژی فرهنگی غرب نقش داشتند، اما دیدگاه‌های جوزف نای<sup>۳</sup> نقش مهم و برجسته‌ای در روایتگری آن داشت.

1. Hybrid Warfare  
2. Strategy  
3. Joseph Nye

نظریات نای در باب قدرت نرم تا سال ۲۰۰۴ در کتاب «قدرت نرم: ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی» بسط و گسترش یافت و آخرین دیدگاه‌های وی در کتاب جدید او با عنوان «آینده قدرت» در سال ۲۰۱۱ منتشر شد. به‌طور کلی از نظر وی قدرت نرم عبارت است از: توانایی شکل دادن به ترجیح‌ها و اولویت‌های دیگران اما نه با استفاده از تحمیل و تطمیع، بلکه از طریق جذب، همکاری و اغوا که می‌کوشد تحمیل اراده به‌صورت نرم و اقناع‌کننده پیش برده شود (نای، ۱۳۸۷:۲۵). در واقع، می‌توان پیشران‌های قدرت نرم را در پارادایم<sup>۱</sup> عصر اطلاعات جستجو کرد. وابستگی شدید کشورها به هم در یک اقتصاد جهانی، گسترش شدید رسانه‌ها به‌خصوص اینترنت و تشدید تعامل‌ها و ارتباطات جهانی، پرسشگری مردم و تشدید خواست و نقش افکار عمومی در اداره جوامع و غیره، باعث شد تا استفاده از ابزارهای کلاسیک زور و جنگ به تدریج مشروعیت و اثربخشی خود را از دست بدهد (نای، ۱۳۸۷). غایی قدرت نرم چیزی جز «کسب سلطه» با روشی متفاوت نسبت به شیوه‌های کلاسیک نیست. به همین لحاظ، وقتی بنیادهای اندیشه دو طرف به‌صورت ریشه‌ای در تضادی عمیق قرار دارد، نمی‌توان حتی در عرصه قدرت نرم این تقابل را جز جنگ چیز دیگری تلقی نمود. به همین اعتبار، می‌توان فعالیت‌های سلطه‌جویانه غرب را که طی سال‌های اخیر در سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی تحت عناوینی همچون: «تهاجم فرهنگی، شیخون فرهنگی، سلطه فرهنگی، نبرد و جنگ فرهنگی، جنگ نرم» و امثال آن مطرح شده، تعبیر و مصادیقی از جنگ نرم دشمن علیه انقلاب اسلامی ایران دانست. البته دلیل این تقابل را نیز ایشان به خوبی بیان داشته‌اند: تهاجم دستگاه‌های استکباری به‌نظام اسلامی، به دلیل ذات و هویت و فرهنگ عمیق انقلاب است (اندیشکده راهبردی امنیت نرم، ۱۳۸۸). پس از شناخت ماهیت و اهمیت قدرت نرم به تبیین و تحلیل جنگ نرم در عرصه روابط بین‌الملل اشاره می‌شود.

به‌طور کلی تحول معرفتی در حوزه‌های مطالعات انسان‌شناختی، قدرت‌شناسی، امنیت‌پژوهی و دانش‌پژوهی جنگ، منجر به جابه‌جایی گفتمان سخت‌افزاری جنگ با جنگ نرم شده است و براین اساس، دانش جنگ نرم در تعامل و تضارب معرفت‌های مختلف از بروز گسست‌ها و زاویه‌های رویکردهای معرفتی سر برآورده است. به‌نحوی که بر اثر انباشتگی و تراکم معرفتی در

1. Paradigm

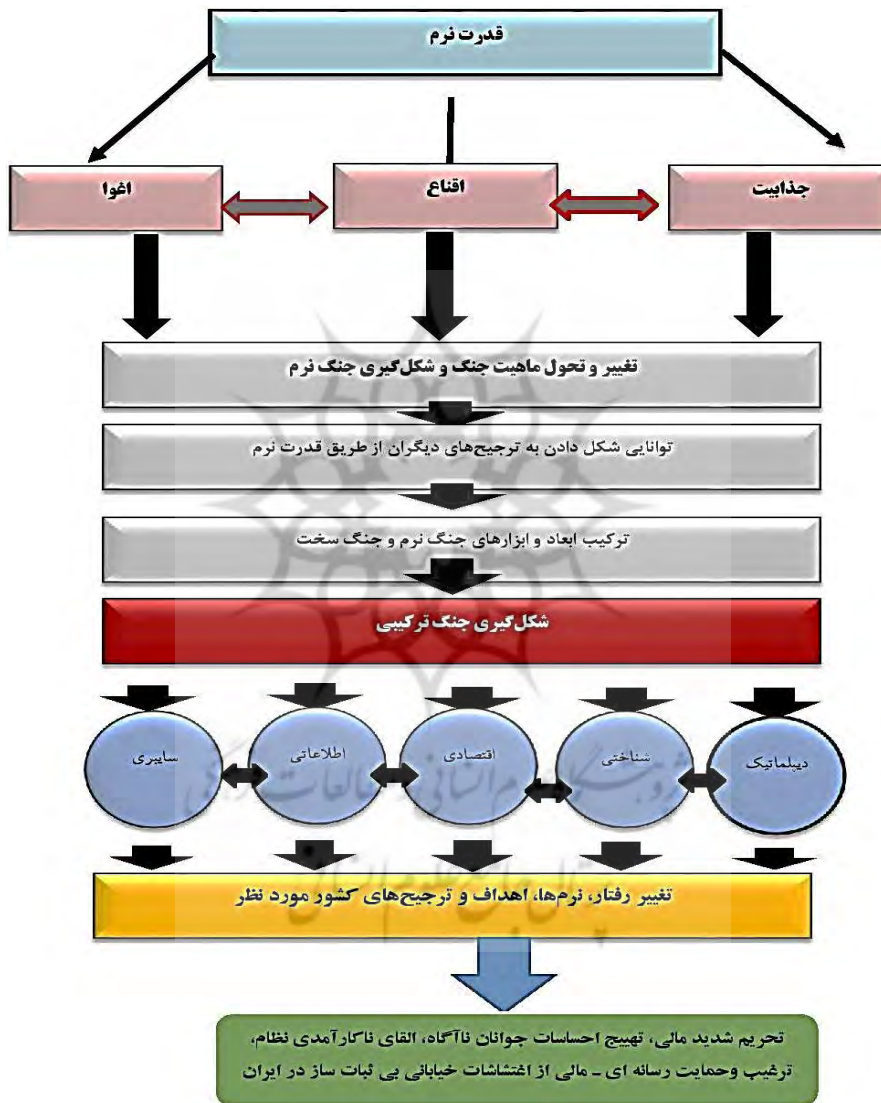
چارچوب روابط قدرت در غرب، دانش نوینی از جنگ بروز و ظهور کرد که ماهیت نرم‌افزاری دارد (باقری چو کامی، ۱۳۹۲: ۱۰۱). این رهیافت به جای فرایند قدرت، بر قدرت فرایند تأکید دارد یعنی بر مداخله آشکار، مشهود و بالفعل کمتر پافشاری داشته، بیشتر بر شیوه پنهان و مخفی مداخله نظام‌مند و تولید و تنظیم ترجیح‌ها اصرار دارد. این آموزه معرفتی آن‌چنان که گالبرایت<sup>۱</sup> در مفهوم قدرت شرطی مطرح ساخت، با تغییر اعتقاد فرد اعمال می‌شود؛ یعنی تشویق و ترغیب، آموزش، یا تعهد اجتماعی نسبت به چیزی که طبیعی، صحیح یا به حق است، موجب تسلیم فرد در برابر خواست دیگری یا دیگران می‌شود (امیری، ۱۳۹۰). در ادامه اقدامات زنجیروار نظام سلطه علیه دیگر رقبا از جمله جمهوری اسلامی ایران، جنگ ترکیبی به شدت و قاطعیت آشکار و پنهان علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در دستور کار متولیان این دولت‌ها قرار گرفته است. در حقیقت جنگ ترکیبی دارای ابعاد مختلف، سیاسی، اقتصادی، نظامی، شناختی، اطلاعاتی و سایبری<sup>۲</sup> است. این جنگ یک تهاجم تمام‌عیار در عرصه‌های مختلف علیه واحد مورد نظر است که با به کارگیری هم‌زمان و توأمان ترکیبی از ابزارهای متعارف، نامنظم و نامتقارن راهبرد جنگ ترکیبی، کشور مورد نظر، نهادها، افراد و شخصیت‌های مختلف مورد هدف قرار می‌گیرند تا تغییری در نگرش، ذهنیت و به دنبال آن رفتار و اقدامات آن‌ها ایجاد شود. به‌طور کلی ترکیبی شامل استفاده یک بازیگر دولتی یا غیردولتی از همه ابزارهای در دسترس دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی باهدف ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف است. عناصر و مؤلفه‌های تأثیرگذار جنگ ترکیبی در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۱. عناصر و مؤلفه‌های تأثیرگذار جنگ ترکیبی (پرواس و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۳)

حضور عناصر عمده نیروهای منظم و نامنظم دولتی و غیردولتی	مشارکت راهبردی، فرماندهی چندوجهی	اقدام هم‌زمان
ابزارهای چندوجهی	تهدیدها به شکل سریع	دکترین عملیاتی مشخص

1. Galbraith  
2. Cyber

باتوجه به مقدمات مذکور، نبرد زنجیره‌ای و سلسله‌وار نظام سلطه علیه انقلاب اسلامی و مبانی ارزشی و اجتماعی آن در قالب بی‌ثبات‌سازی سیاسی- اجتماعی در شکل زیر به‌عنوان مدل مفهومی پژوهش تدوین شده است:



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش (نگارندگان، نای، ۱۳۸۷، امیری، ۱۳۹۰)

## مفهوم‌شناسی پژوهش

### شبکه‌های اجتماعی و مجازی

اصطلاح شبکه‌های اجتماعی را برای نخستین بار چی ای بارنز<sup>۱</sup> در سال ۱۹۵۴ طرح کرد و از آن پس به سرعت به شیوه‌ای کلیدی در تحقیقات و مطالعات بدل گشت. در تئوری شبکه اجتماعی سنتی، یک شبکه اجتماعی به این صورت تعریف می‌شود که یک مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی که شامل مردم و سازمان‌ها که به وسیله مجموعه‌ای از روابط معنی‌دار اجتماعی به هم متصل‌اند و باهم در به اشتراک گذاشتن ارزش‌ها تعامل دارند. شکل سنتی خدمت شبکه اجتماعی بر انواع روابط همچون دوستی‌ها و روابط چهره‌به‌چهره متمرکز است؛ اما خدمات شبکه اجتماعی امروزه بیشتر بر جامعه مجازی آنلاین و ارتباطات کامپیوتر واسط متمرکز است. (معمار و دیگران؛ ۱۳۹۱: ۱۵۷) در حقیقت در ارتباط با شبکه‌های اجتماعی، می‌توان گفت که شبکه‌های اجتماعی مجازی محصول فناوری‌های وب دو هستند. وب دو به آن دسته از فناوری‌هایی اطلاق می‌شود که امکان مشارکت کاربر در تولید محتوا و به اشتراک گذاری اطلاعات شامل: متن، عکس، فیلم، پیوند، فایل و هرگونه داده دیگر را فراهم می‌آورند. فناوری‌های وب دو امکان تعامل گسترده میان کاربران اینترنت و تبادل سریع و گسترده اطلاعات میان آن‌ها را فراهم می‌آورند. وب دو دنیای کندوهای کاربران در محیط‌های مجازی است و شبکه‌های اجتماعی مجازی بخشی از فناوری‌های وب دو هستند که درون آن‌ها، تعاملات کاربران و امکان ایجاد حلقه‌های دوستی، گروه‌های رأی‌دهی، ارتباطات افقی و سفارشی شدن صفحات وب فراهم می‌شود. (ضیایی پور و عقیلی، ۱۳۸۹: ۲۵) براین اساس شبکه‌های اجتماعی مجازی یا واسط، رایانه‌ای و اینترنتی، در تعریف کلی به وبگاه‌هایی اطلاق می‌شوند که با مشارکت کاربران و محتوای تولیدشده آنان پیش می‌رود. این وبگاه‌ها برای کاربران خود این امکان را فراهم می‌آورد که تعاملات اجتماعی را بر اساس فناوری‌های جدید به گونه‌ای پیوسته (برخط) و گسسته (در کنار خط) تنظیم کنند. در این شبکه‌ها و این تعاملات، مفهوم جدید کاربر به جای مفهوم سنتی مخاطب نشسته است؛ زیرا به این ترتیب هر یک از کاربران به خلاف مخاطبان (در رسانه‌هایی مانند تلویزیون، رادیو، مطبوعات و...)، فقط مصرف‌کننده اطلاعات و پیام‌ها نیستند، بلکه آن‌ها همانند همه کاربران شبکه، تولیدکننده محتوای

1. J I barnes



تعاملات اند. (حبیب‌زاده و بخشی، ۱۳۹۵:۱۲) به این صورت که شبکه‌های اجتماعی فضایی را ایجاد نموده‌اند که افراد دیدگاه‌ها و علاقه‌مندی‌های خود را در آن‌ها بیان می‌کنند و با دیگران به اشتراک می‌گذارند. این شبکه‌ها، فضایی را ایجاد کرده‌اند که کاربران می‌توانند از طریق آن به جبران محدودیت‌ها و موانع فضای واقعی زندگی خود بپردازند. (حیدری و شاوردی، ۱۳۹۲:۳۸) و در کنار آن نیز امکان شکل‌گیری اجتماعات جدیدی از کاربران را فراهم می‌کند. هرچند روابط کاربران فضای مجازی رابطه‌ای با واسطه است و نه رودررو، اما بسیاری از دست‌اندرکاران اینترنت تمایل دارند از واژه «اجتماع» برای اشاره به جمعیت چنین کاربرانی استفاده کنند (آه‌نی و ابراهیمی، ۱۳۹۲:۱۲۹)

در حقیقت امروزه با پیدایش اینترنت و ارتباطات دوربرد رایانه‌ای و گسترش آن، نوعی حوزه عمومی مجازی در فضای سایبرنتیکی شکل گرفته است. این حوزه عمومی، همانند شبکه تار عنکبوتی است که اطلاعات همچون خون یا انرژی برق در خطوط آن جریان دارد و در نقاط اتصال آن، بازیگران و کنشگران گوناگون، از جمله جنبش‌های اجتماعی، سازمان‌های غیردولتی در سطح ملی و فراملی، احزاب و گروه‌های سیاسی بی‌شماری حضور دارند. (سردارنیا، ۱۳۸۸:۱۵۶) و از این شبکه‌ها جهت ایجاد ارتباطات جمعی و میان‌فردی، تشکیل اجتماعات مجازی، اطلاع‌رسانی، تبادل اطلاعات و نظرها بهره می‌گیرند. در واقع شبکه‌های اجتماعی، محل گردهمایی صدها میلیون کاربر اینترنت است که بدون توجه به مرز، زبان، جنس و فرهنگ، به تعامل و تبادل اطلاعات می‌پردازند. یک شبکه اجتماعی، سایتی است که در مرحله اول به افراد و سازمان‌ها اجازه می‌دهد صفحات خودشان را روی آن ایجاد کنند و در مرحله دوم اجازه می‌دهد این صفحات بر اساس مشترکات گوناگون به هم متصل شوند (ضیایی‌پور، ۱۳۸۸:۱۱). در هر حال، شبکه‌های اجتماعی دارای برخی ویژگی‌ها از قبیل؛ به اشتراک‌گذاری، بسیج‌کنندگی و سازمان‌دهی، دوستی، اعتماد، حلقه‌های مخاطبان، استناد و تعمیم، چندرسانه‌ای بودن، گپ، نقد بی‌رحمانه، دنبال کردن و دنبال شدن، پرستیژ، باز انتشار، خرد جمعی، جهانی بودن، سرگرمی، ساختار دموکراتیک، قدرت سرمایه اجتماعی، تحرک اجتماعی و ابتکار و خلاقیت (حیدری و شاوردی، ۱۳۹۲:۴۴) می‌باشند که توان تأثیرگذاری بر حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و... را به این شبکه‌ها می‌دهد. با این وجود شبکه‌های اجتماعی مجازی در حال حاضر قوی‌ترین رسانه برخط (آنلاین) در دنیا به

شمار می‌روند. این شبکه‌ها به دلیل تکثر و تنوع محتوایی و قابلیت‌های متعدد نرم‌افزاری و اینترنتی با استقبال وسیعی توسط کاربران مواجه شده‌اند (ضیایی پور و عقیلی، ۱۳۸۹: ۲۴) در واقع این شبکه‌ها با قابلیت ایجاد شبکه و ارتباطات مجازی تعاملی در فضای سایبر، توان نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری در محیط‌های مختلف اجتماعی و همچنین سیاست‌های رسمی دارند.

### آشوب‌های اجتماعی و ویژگی‌های آن

در ابتدا اینکه پدیده آشوب و بحران از دیرباز جزء جدایی‌ناپذیر زندگی اجتماعی بوده‌اند و روزه‌روز بر تعدد و تنوعشان افزوده می‌شود و دیگر پدیده‌هایی با ویژگی غیرعادی، کمیاب، اتفاقی نمی‌شوند. چنانکه بحران‌ها و شورش‌های شهری از معضل‌ها و دغدغه‌های اصلی جوامع در حال گذار است و بسیاری از دولت‌ها در طول تاریخ خود همواره با شورش‌ها و ناآرامی‌ها داخلی روبرو بوده‌اند. (پیری، ۱۳۹۴: ۵۴) با این وجود شورش، ناامنی، اغتشاش، ناآرامی و مانند آن از مصادیق بحران‌های اجتماعی و رفتارهای جمعی محسوب می‌شوند که به دلیل بروز یک وضعیت کاملاً بحرانی و نابسامان یا در اثر وجود عوامل متعدد سیاسی، اجتماعی پدید می‌آیند و از جمله موضوعات چندوجهی و قابل توجهی است که اذهان بسیاری از اندیشه‌گران را به خود معطوف کرده است و صاحب‌نظران گوناگونی از زوایای مختلف به طرح دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند. (رئسی و دیگران؛ ۱۳۹۷: ۸۱) و به دلایل شکل‌گیری این پدیده‌ها در عرصه اجتماع پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال؛ تد رابرت گر<sup>۱</sup> معتقد است هر چه میزان محرومیت نسبی برای گروهی بیشتر باشد پتانسیل خشونت سیاسی برای آن گروه بیشتر است؛ و یا کارل مارکس<sup>۲</sup> که یکی از علل بروز ستیز، توزیع نابرابر منابع کمیاب می‌داند. همچنین روستو<sup>۳</sup> در این رابطه معتقد است بسیاری از بحران‌های اجتماعی منشأ سیاسی و تاریخی دارند. دورکیم<sup>۴</sup> نیز شرایط اصلی ایجاد آنومی<sup>۵</sup> به‌عنوان یکی از مبانی مؤثر در بروز شورش، افزایش سریع و شدید حجم و تراکم جمعیت می‌باشد (رئسی و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۱ - ۸۲)؛ همچنین در کنار این مباحث، در ارتباط با مفهوم شورش، ناامنی، اغتشاش و آشوب‌های اجتماعی از سوی برخی اندیشمندان تعاریفی مطرح شده است. به‌طوری‌که

1. Theda Robert Ger
2. Karl Marx
3. Walt Rostow
4. Durkheim
5. Anomy

دوب<sup>۱</sup> معتقد است رفتارهای جمعی به آن دسته از فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که تحت شرایط زودگذر، بدون ساختار و بی‌ثبات و به سبب فقدان آشکار هنجارهای مقبول رخ می‌دهند. این گونه رفتارها، عاطفی، خودانگیخته، اتفاقی و کمتر قابل پیش‌بینی‌اند. میرز<sup>۲</sup> در تعریفی نزدیک به دوب، رفتارهای جمعی اعتراض‌آمیز را شامل آن دسته از رفتارهای گروهی از شهروندان می‌داند که هیجانی‌اند، اغلب مخرب و ویرانگرند، تکانه‌ای هستند و با منافع مقامات حکومتی در تضادند؛ و تدابیرت گرنیز با انتخاب اصطلاح خشونت سیاسی، آن را به عنوان تمامی حملات فراگیری که در درون یک جامعه سیاسی علیه رژیم سیاسی و بازیگران آن شامل گروه‌های رقیب و صاحبان قدرت یا سیاست‌های آن انجام می‌گیرد، تعریف می‌کند. همچنین طبق تعریف استوارت<sup>۳</sup> آشوب به رفتار مملو از خشم گروهی گفته می‌شود که از سازمان و وحدت اندکی برخوردار است. یورش خشمگینانه و اغلب بی‌هدف جماعتی از شهروندان به یک مؤسسه یا گروهی از افراد را می‌توان نوعی آشوب تلقی کرد (شریفی، ۱۳۸۸: ۹).

اما با این حال این آشوب‌های اجتماعی دارای یکسری شاخص‌ها جهت سازمان‌دهی خیابانی هستند که آن‌ها را از سایر پدیده‌ها منفک می‌سازد که عبارت‌اند از «وجود تقسیم‌کار و نقش‌های تخصصی بین مخالفان»، «وجود حداقل یک خزانه عمومی از منابع عمده مانند پول، سلاح، اطلاعات یا چیز دیگری به همراه مکانیسمی برای توزیع آن‌ها» و «میزان تمایز سلسله‌مراتبی در بین مخالفان و شکل‌گیری رهبری و کادر». (محمدلرد؛ ۱۳۹۸: ۷) همچنین در رابطه با چگونگی شکل‌گیری این رخدادها در جامعه، سیموویچ<sup>۴</sup> با تجربه فرماندهی کنترل اغتشاشات شهری، با بررسی نمونه اغتشاشات شدید در شهر فلوریدا، سیر تدریجی هر شورش را که شامل چهار مرحله می‌باشد را به شرح ذیل تشریح می‌کند: ۱. حادثه تسریع‌کننده؛ ۲. رویارویی؛ ۳. عقده‌گشایی و تسویه حساب؛ ۴. درگیری علنی؛ و در شرح این مراحل می‌توان از توصیف راسل و بیگل سود برد که معتقدند تقریباً هر حادثه‌ای می‌تواند عامل تسریع‌کننده یک شورش باشد. این حادثه ممکن است توقیف همراه با اعمال زور و فشار توسط یک افسر پلیس یا توقف عبور و مرور باشد یا حتی ممکن است صرفاً یک شایعه باعث شود که افراد با تشنج و هیجان به خیابان بریزند. این عامل می‌تواند

1. Dub
2. Mirz
3. Stewart
4. Simovich

انفرادی نباشد و مجموعه‌ای از حوادث یا شایعات را شامل شود که زمینه را برای حادثه نهایی آماده می‌کند. در مرحله دوم شورش با وجود تخلیه انرژی شورشیان، اتفاق مهمی نمی‌افتد؛ اما ممکن است به واسطه اصرار و تمایل به زیاده‌روی یکی یا چند نفر از عناصر شورش به سمت اقدامات خشونت‌آمیز سیر پیدا کند و اگر کنترل و متوقف نشود، وارد مرحله سوم می‌شود که طی آن مردان جوان خشمگین، ستیزه‌جو و شتاب‌زده ممکن است دست به اقدامات از قبل برنامه‌ریزی شده بزنند. اما احتمال رفتارهای لحظه‌ای و خودانگیخت بیشتر است که در این صورت اقدام به شکستن شیشه‌ها، واژگون کردن خودروها یا آتش زدن آن‌ها کنند یا سایر اقدامات تخریبی را انجام دهند. در این مرحله ممکن است افرادی شورشگر دست به غارت و سرقت از برخی اماکن بزنند و حتی با بمب‌های آتش‌زا و اسلحه، به مناقشه آشکار گرایش پیدا کنند. در مرحله چهارم، شهر به صحنه مناقشه آشکار و تیراندازی تبدیل می‌شود. پرتاب بمب‌های آتش‌زا افزایش می‌یابد و بر آن متمرکز می‌گردد. در این مرحله، معمولاً گارد فراخوانده می‌شود و در صورت ادامه ستیزه‌جویی، شورشگران با گارد درگیر می‌شوند (شریفی، ۱۳۸۸: ۱۶ و ۱۷) به این ترتیب برخلاف جمعیت عادی که فاقد سازمان، تشکیلات و رهبری‌اند، جمعیت اغتشاش‌گر افرادی را شامل می‌شود که با نیت و هدف مشترک متشکل شده‌اند؛ حداقل در صحنه عمل ممکن است دارای رهبری بوده و به چند دسته تقسیم شوند؛ دارای اراده قوی نبوده، احساسات بر عقلشان حکم‌فرمایی می‌کند؛ دارای روحیه تهاجمی بوده و اعمالی را انجام می‌دهند که به تنهایی قادر بر انجام آن‌ها نیستند یا در حالت فردی تمایل به انجام آن اعمال ندارند و معمولاً در اکثر موارد، نتایج و آثار سوء و تخریبی به جا می‌گذارد. (شریفی، ۱۳۸۸: ۱۱). در مجموع بحران‌ها و شورش‌ها شهری یکی از معضل‌ها و دغدغه‌های اصلی جوامع در حال گذار است. در واقع با گسترده شدن شهرنشینی و افزایش سطح انتظارات و شتاب گرفتن آن و برآورده نشدن نیازهای شهروندی و ناکامی در دستیابی به اهداف، به وجود آمدن فاصله نامطلوب بین انتظارات مشروع افراد و آنچه در جامعه برای تحقق چنین انتظاراتی وجود دارد، موجب بروز رفتارهای نابهنجار می‌شود و به آشوب و اغتشاش می‌انجامد (رئسی و دیگران؛ ۱۳۹۷: ۹۷) با این وجود این پدیده در عین طبیعی بودن، از چنان اهمیتی برخوردار است که همواره نظام‌های سیاسی و دستگاه‌های امنیتی جوامع را به خود مشغول داشته است. اما آنچه این پدیده را نگران‌کننده می‌سازد، به آثار تخریبی اجتماعی و امنیتی آن برای نظام سیاسی

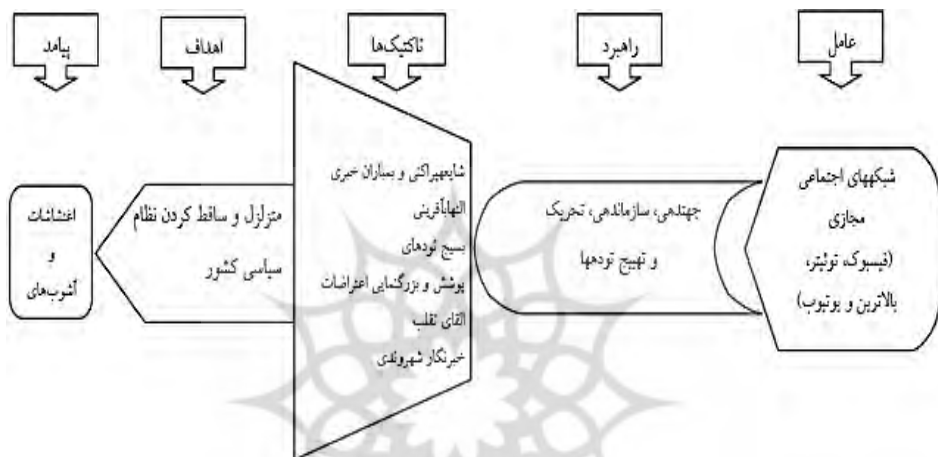
حاکم برمی‌گردد. به‌ویژه آنکه در چند سال اخیر این پدیده در راستای راهبرد جنگ نرم در سیاست خارجی آمریکا به‌شدت مورد توجه قرار گرفته است و با استفاده از عواملی همچون شبکه‌های اجتماعی و یا گروه‌های سیاسی داخلی، زمینه لازم برای پیگیری سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا تحت عنوان تغییر از درون در جوامع هدف به شمار می‌آید.

### نقش شبکه‌های اجتماعی در آشوب‌های اجتماعی

همان‌گونه که مطرح شد، عصر حاضر، عصر ارتباطات و اطلاعات است؛ عصری که در آن رسانه اعم از سنتی و نوین نقش مهمی در شکل‌گیری و جهت‌دهی افکار عمومی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی بازی می‌کنند. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با جای‌دادن طیف گسترده‌ای از بازیگران و کنشگران سیاسی - اجتماعی، در فضای مجازی، از یک‌سو ابزاری برای تبلیغ و اشاعه نمادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هستند و از سوی دیگر منبعی مهم در ارائه آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی در جهان، عامل ارتباط فعالان سیاسی با مردم و در نهایت برانگیزنده مهم رفتارهای اعتراضی و بسیج اعتراضی‌ها در جهان به شمار می‌روند. از این رو می‌توان گفت که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مهم‌ترین تجلی و نشانه قدرت نمادین، هویت‌سازی و تبلیغات در عصر جدید هستند و سیاست و تحولات سیاسی تا حد قابل توجهی به این رسانه‌های فراگیر وابسته است (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

با این وجود، در سال‌های اخیر، اهمیت شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی به تحولات سیاسی در بسیاری از کشورهای جهان دوچندان شده است. ساماندهی بسیاری از اعتراضاتی که اخیراً در کشورهای جهان، از آمریکای جنوبی گرفته تا خاورمیانه، اتفاق افتاده‌اند، در فضای مجازی صورت گرفت. در همه این اعتراضات، از طریق شبکه‌های اجتماعی، فراخوان‌هایی برای حضور در تظاهرات منتشر شده است. (<https://upna.ir> ۱۳۹۸). در حقیقت رسانه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی که زمانی برای اجتماعی شدن افراد طراحی شده بودند و قرار بود به‌نوعی روابط اجتماعی آن‌ها را تسهیل کنند، اینک به ابزاری برای اطلاع‌رسانی به‌هنگامه‌خیزش و انقلاب بدل شده‌اند. این واقعیتی است انکارناپذیر که امروزه از این رسانه‌ها برای تسهیل و تسریع بسیج مدنی استفاده می‌شود که نمونه آن را به‌خوبی می‌توان در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۱۱ و خیزش کشورهای عربی

مشاهده کرد. این رسانه‌ها اگرچه ایجادکننده انقلاب‌های ۲۰۱۱ در این کشورها نبودند، اما بی‌تردید نقش بسزایی در پیشبرد آن‌ها داشتند. آن‌ها این نقش را از طریق جمع‌آوری اطلاعات در زمان واقعی، تسهیل ارتباطات و نیز ارسال این اطلاعات به اقصی نقاط جهان به خوبی ایفا کردند (آهنی و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۱۴۱). نسبت و ارتباط شبکه‌های مجازی در آشوب‌های سیاسی - اجتماعی، در شکل زیر آورده شده است:



شکل ۲. نسبت و ارتباط شبکه‌های مجازی در آشوب‌های سیاسی، اجتماعی (نگارندگان با اقتباس از معمار و دیگران، ۱۳۹۱، سردارنیا، ۱۳۸۸)

درواقع شبکه‌های اجتماعی مجازی به لحاظ عمومیت یافتن در میان کاربران و با گستره وسیع جغرافیای در درون مرزهای ملی، تبدیل شدن به یک ارتباط خصوصی، شخصی و فارغ بودن از هر نوع کنترل از سوی مراجع قدرت، به وسیله‌های بی‌بدیل در عرصه ارتباطات تبدیل شده‌اند و زمینه‌های تأثیرگذاری خارج از کنترل دولت‌ها و نهادهای قدرت را در جوامع به وجود آورده‌اند. (معمار و دیگران؛ ۱۳۹۱: ۱۵۶) و دیگر مانند گذشته، نیازی نیست که برای تبدیل افکار عمومی به نیروی اجتماعی و تغییر اوضاع سیاسی، به اهرمی مانند حزب سیاسی متوسل شد و اگر این تغییر در افکار عمومی پیدا شود، مردم در مواقع مهم تاریخی، خود راه را باز می‌کنند و احتیاجی به اعمال نیرو، فشار و زور از طریق اهرم‌های جدا از مردم وجود ندارد (ماه‌پیشانیان: ۱۳۹۰، ۱۹). درواقع کاربرد شبکه‌های اجتماعی این امکان را به جنبش‌های اجتماعی می‌دهد که روش‌های سنتی بیان

اعتراضات خود، همانند راهپیمایی‌ها، اعتراضات، شعارها و استفاده از نمادها را آسان‌تر به کار برده و آن‌ها را با روش‌های نمادین جدید ترکیب کنند. (همان، ۱۹). براین اساس، یکی از تمایزهای اساسی جنبش‌های اجتماعی جدید از نوع کلاسیک آن‌ها، این است که جنبش‌های جدید به شدت، رسانه‌ای هستند و به‌ویژه از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به بعد، به‌طور عمده به فناوری‌های جدید یعنی ماهواره‌ها و اینترنت وابسته شده‌اند. (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۵۷) که در نتیجه آن حضور افراد در شبکه‌های اجتماعی احتمال مشارکت‌ها و کنش‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد؛ و هر چه پیوند افراد و اعضا در این شبکه‌ها بیشتر و انبوه‌تر باشد، امکان همراهی، تعامل، نزدیکی دیدگاه‌ها، حرکت همسو و مشترک نیز افزایش خواهد یافت. (حیدری و شاوردی، ۱۳۹۲: ۴۴) و نیز افزون بر تعامل درون شبکه‌ای، تعامل‌های بیرون شبکه‌ای نیز در این شبکه‌ها رایج است. این تعامل‌ها، نه تنها «سرمایه اجتماعی» و «قدرت» می‌آفریند، بلکه در ایجاد موج‌های اجتماعی و تأثیر بر واقعیت‌های محیط واقعی، نقش آفرین است. (حیب‌زاده و بخشی، ۱۳۹۵: ۱۷).

براین اساس، می‌توان گفت که امروزه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین به‌ویژه اینترنت تبدیل به منابعی مهم برای بسیج کنش جمعی و ابداعات پس‌از آن، سازمان‌دهی و عمل جنبش‌های اجتماعی در سراسر جهان شده‌اند. (آقایی و دیگران؛ ۱۳۹۱، ۹) به‌طوری‌که توانایی موج‌آفرینی، فضا سازی و به‌کارگیری ماهرانه نمادها، ارزش‌ها و الگوها، نمایانگر قدرت تأثیرگذاری فرهنگی و اجتماعی شبکه‌های اجتماعی سایبری است. کنشگر شبکه‌های اجتماعی ممکن است یک نوجوان، یک فرد کهن سال یا یک دولت باشد. آنچه مهم است فضای تکاپو و دامنه اثرگذاری آنان است. تلاش کنشگران شبکه‌های اجتماعی در اشتراک‌گذاری و تبادل اطلاعات، تعامل با سایر کاربران، شکل دادن به سلیقه‌ها و جلب نظر آنان و پدید آوردن نوعی «قدرت نرم» است، به‌گونه‌ای که بتوانند از آن، در تداوم کنشگری خود در فضای فیزیکی بهره‌برند. کنشگران اجتماعی، نهادها و جنبش‌های فرهنگی با بهره‌بردن از همین ویژگی شبکه‌های اجتماعی، به ترویج دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و حتی همگانی کردن مطالبات خویش پرداخته و با استفاده از حمایت‌های سایبری، از آن به‌عنوان اهرم فشار در فضای فیزیکی استفاده می‌کنند (آهنی و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۱۳۵)؛ بنابراین و به‌طور کلی، رسانه‌های اجتماعی علاوه بر نقش رسانه‌ای خود در فضای مجازی، ظرفیت ساماندهی و سازمان‌دهی حرکت‌های اجتماعی و مانورهای خیابانی را در فضای حقیقی دارند؛ و در مجموع

می‌توان نقشی را که رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی در ایجاد آشوب‌های اجتماعی ایفا می‌کنند را در مواردی از قبیل؛ تبلیغ و اشاعه نمادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، ارائه آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی، هویت‌سازی، عامل ارتباط فعالان سیاسی با مردم، ایجاد فراخوان‌هایی برای حضور در تظاهرات، شبکه‌سازی و سازمان‌دهی اعتراضات، خلاصه نمود.

### آشوب‌های سیاسی - اجتماعی آبان‌ماه ۱۳۹۸

در ادامه سلسله حوادث مسائل بی‌ثبات ساز اقتصادی - اجتماعی و امنیتی، در آبان ۱۳۹۸ اعتراضات خیابانی در ایران شکل گرفت که پیامدها و اثراتی در سطح جامعه داشت. این حادثه همانند سایر مسائل سیاسی - اجتماعی، ماهیت و محتوای چندبعدی دارند و در وقوع و استمرار این حوادث، دلایل و زمینه‌های مختلفی داخلی و بیرونی نقش دارند.

در رابطه با عوامل داخلی تأثیرگذار در بروز اعتراضات و آشوب‌های اجتماعی آبان‌ماه ۹۸ در ایران، می‌توان بیشتر وجود برخی عوامل مستعدکننده در حوزه اقتصادی و معیشتی جامعه از قبیل، نارضایتی اجتماعی ناشی از سوء عملکرد دولتمردان، غافلگیری جامعه توسط دولت با تصمیم ناگهانی در افزایش قیمت بنزین، تیرگی چشم‌انداز اقتصادی کشور به دلیل شرطی شدن موضوع اقتصاد به مذاکره یا تحریم، در کنار برخی زمینه‌های ساختاری بحران در جامعه و نیز فشارهای روانی ناشی از مشکلات معیشتی - اقتصادی مردم در چند سال اخیر را لحاظ نمود. در واقع حاشیه‌نشین‌ها، متن اصلی این اعتراضات بودند؛ و به‌جز در یکی دو شهر مثل شیراز و اصفهان، افراد معترض حاشیه‌نشینان و طبقات کم‌درآمد بودند. این نشان می‌دهد که ترکش‌های تصمیم‌بنزینی به طبقات ضعیف و متوسط برخورد کرده است. در بسیاری از تجمعات قبلی، مطالبات سیاسی مطرح بود و گروه‌هایی مانند احزاب در آن‌ها حضور داشتند و کمتر شاهد کنشگری طبقات ضعیف بودیم؛ اما ماهیت اعتراضات آبان‌ماه تغییر کرده و اقشار ضعیف و کم‌درآمد را درگیر خود کرده بود. (مدنی و دیگران، ۱۳۹۹: ۹۲).

همچنین جمعیت بیکار که حدود ۳۰ درصد از جامعه امروز را به خود اختصاص داده‌اند و نیز آن بخش از طبقه متوسط که به دلیل شرایط اقتصادی موجود به طبقات پایین ریزش داشته‌اند، در کنار جوانان تحصیل‌کرده بیکار، بخش اساسی جمعیت معترض در آشوب‌های آبان‌ماه را تشکیل می‌دادند که البته با بهره‌برداری دشمنان خارجی موجب گسترش و تشدید بحران در کشور شد. در واقع به‌نوعی وجود بسترها و ضعف‌های داخلی زمینه‌ساز بوده‌اند تا عوامل خارجی دست به دخالت داده و سعی



نمایند تا روندهای داخلی ایران را به سود خود مدیریت نمایند. موضوعی که بارها توسط کشورهای غربی و بخصوص آمریکا و با استفاده از ضعف‌های داخلی، در جهت مطامع خود اعمال نموده‌اند. علاوه بر عوامل داخلی که بسترهای زمینه‌ساز و مداخله‌گر در حوادث مابعد از انقلاب داشت و دارد، نقش اصلی به عوامل و زمینه‌های خارجی برمی‌گردد که پس از انقلاب، نزاعی میان نظام سلطه و انقلاب اسلامی در سطح منطقه و جهان رخ داد و استمرار یافته است؛ بدین معنی که کشورهای مختلفی در سطح دنیا وجود دارند که وضعیتی به مراتب بدتری از لحاظ سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی از ایران دارند؛ ولی در برهه‌های مختلف زمانی شاهد شکل‌گیری و استمرار بحران‌های سیاسی - اجتماعی نیستند. این امر نشان از اهمیت عوامل و زمینه‌های خارجی در بحران‌سازی، بی‌ثباتی و جلوگیری از قدرت و پیشرفت ایران از سوی دولت‌های نظام سلطه به‌عنوان یک راهبرد اساسی است.

پس از وقوع انقلاب در ایران، بحران‌ها و چالش‌های مختلف داخلی، منطقه‌ای و جهانی میان جمهوری اسلامی ایران و نظام سلطه به رهبری آمریکا شکل گرفت. فتنه‌های مختلف که از ابتدای انقلاب تاکنون حداقل هر ده سال یک‌بار به وقوع پیوسته است حاکی از تلاش غرب به سرکردگی ایالات متحده آمریکا در ادامه بحران‌سازی و تلاش جهت ممانعت از نفوذ قدر و اقتدار ایران در سطح منطقه و جهان است (الفت‌پور، ۱۳۸۹: ۳۴). در دهه اخیر این بحران‌سازی ترکیبی بیشتر از پیش در دستور کار اتاق فکر آن‌ها قرار گرفت. با توجه به موفقیت‌ها و پیشرفت‌های که جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف و به خصوص عرصه منطقه‌ای دست یافته بود، این روند و با شیوه‌های مختلف و در قالب‌های متنوعی از سوی غرب برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌شد. به‌طوری‌که ایران در اوایل مهر ۱۳۹۸ / اکتبر ۲۰۱۹ در بهترین وضعیت منطقه‌ای خود بود؛ خنثی‌سازی و پایان تهدید داعش و افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران به‌ویژه در حوزه محور مقاومت از جمله مهم‌ترین دستاوردهای ایران در منطقه محسوب می‌شود. وضعیتی که در تاریخ معاصر ایران مشابه نداشت. این دستاورد بزرگی است برای ایران و کل منطقه که می‌توانست آینده روشنی را برای ایران ترسیم کند. دستیابی فرهنگی و اقتصادی و سیاسی به منطقه وسیعی تا کناره مدیترانه ... این منطقه‌ای است که می‌تواند سرنوشت ایران و ایرانیان را عوض کند و تأثیرات بزرگ بر جای بگذارد. منظور فضای گسترده‌ای است برای جولان فرهنگی و اقتصادی می‌باشد. (خبرگزاری مشرق، ۱۳۹۸) موضوعی که غرب و محور عربی - عبری آن را تهدیدی جدی برای خود تلقی می‌نموند و لذا در پی فروپاشیدن این نظم نوین با ایجاد و گسترش آشوب‌های اجتماعی و سیاسی در عراق و لبنان و در نهایت ایران

برآمدند؛ بنابراین درحالی که عده‌ای بر این نظرند که حوادث تلخ روزهای آبان‌ماه، واکنش مردمی و اعتراضات ناراضیان به افزایش قیمت بنزین بوده، ادله بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد این رویدادهای تلخ و ناگوار، بخشی از پروژه سرویس‌های اطلاعاتی جبهه غربی، عبری و عربی برای ایجاد فتنه‌ای فراگیر در ایران می‌باشد که ادبیات دشمنان انقلاب اسلامی از آن به‌عنوان «پروژه ۲۰۲۰» یاد می‌شود. بر اساس این پروژه افزایش قیمت بنزین نقش شتاب‌دهنده و کاتالیزور را داشته که می‌توانسته اقتدار ضعیف جامعه را درگیر و عنوان اعتراضات را از مسائل سیاسی به مسائل اقتصادی درآورد. (عبداللهی فر، ۱۳۹۸).

در حقیقت و با روی کار آمدن ترامپ، تغییرات زیاد در رویکرد آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران ایجاد شد. به‌طوری که آمریکا در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران استراتژی خود را بر ایجاد فشار حداکثری علیه اقتدار ملی و در جهت فرسایش مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی بنا نهاد؛ و نقطه حساس و بسیار مهم برای آمریکایی‌ها در راهبرد فشار حداکثری، ایجاد آشوب در ایران است؛ یعنی تمام اقدامات و فشار حداکثری می‌بایست تبدیل به آشوب در کشور شود؛ لذا این مسئله برای آمریکایی‌ها بسیار مهم است پس برای این مهم، اقدام به راه‌اندازی بخشی در سازمان سیا بانام مرکز عملیات ایران نمودند که علناً هدف آن را ایجاد آشوب در ایران عنوان کردند (غضنفری و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۰). به‌طوری که حتی «دنیل مک‌آدامز» مدیرعامل اندیشکده آمریکایی «ران پال» روز سه‌شنبه گفت ناآرامی‌ها و آشوب‌های اخیر در ایران صرفاً اعتراضاتی ناشی از افزایش قیمت سوخت نیست، بلکه آشوب‌هایی است که از الگوهای آشنای آژانس مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) پیروی می‌کند. وی که با شبکه «آر. تی» گفت و گو می‌کرد، در این مورد گفت: «فکر می‌کنم این نوع از ناآرامی، بیشتر حاصل عملکرد مرکز مأموریت ایران» [در سیا] است که توسط دولت دونالد ترامپ راه‌اندازی شده است». (غضنفری و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۱) از طرف دیگر، مقامات سعودی نیز طرحی را در زمستان ۱۳۹۵ به آمریکایی‌ها دادند. در اوایل سال ۱۳۹۶ این طرح را در چارچوب طرح کلی «چارچوب همکاری راهبردی قرن بیست و یکم بین ایالات متحده و پادشاهی عربستان» به ترامپ ارائه دادند و برنامه‌های ضد ایرانی خود را در آن طرح تشریح کردند. هدف کوتاه‌مدت و کف این طرح که در چارچوب دکترین آمریکایی‌ها می‌گنجد، «بی‌ثبات کردن ایران» بوده است. هدف میان‌مدت آن‌ها این بوده که تلاش کنند ایران را در چارچوب مرزهای کشور محدود کنند و به قول خودشان، دیگر از تروریسم حمایت نکنند؛ همسایگان را تهدید نکند و برای توسعه توانایی و توانمندی اتمی خود نیز

تلاش نکند. هدف درازمدت این طرح، «براندازی رژیم ایران» بوده است. در واقع، سعودی‌ها گفته بودند رژیمی در ایران بر سر کار بیاید که منافع پادشاهی عربستان سعودی و ایالات متحده را فراهم کند. در دل این طرح سه‌ساله، یک طرح یک‌ساله داشتند که طبق آن، به ایران بفهمانند که آنچه را که در منطقه با عنوان دخالت‌های منطقه‌ای انجام می‌دهند باید تاوانش را در داخل کشور پس دهند؛ بنابراین، از سال ۱۳۹۵ برنامه‌ریزی جدی انجام دادند که نتایج آن را در آشوب‌های ۹۶ و ۹۸ مشاهده می‌کنیم. (نجفی سیار، ۱۳۹۸). به‌طور کلی بسترها و زمینه‌های وقوع بحران سیاسی اجتماعی در ایران (آبان ۱۳۹۸) در شکل زیر آورده شده است:



شکل ۳. بسترها و زمینه‌های وقوع بحران سیاسی - اجتماعی در ایران (آبان ۱۳۹۸) (نگارندگان)

باتوجه به مؤلفه‌های مذکور در مورد ارتباط این چالش با شبکه‌های مجازی و تحولات رسانه‌ای و نیز استفاده ابزاری نظام سلطه جهت تحریک و تهییج جوانان در اغتشاشات خیابانی باید گفت که حوادث آبان‌ماه ۹۸ دارای برخی ویژگی‌های خاص بود که تا قبل از آن کم‌سابقه و حتی بی‌سابقه بود.

مهم‌ترین ویژگی که شاید این تحولات را از سایر حوادث قبلی متمایز کرده می‌توان به مواردی چون: رفتارهای خشن و خشونت‌های خسارت‌بار در قالب (به‌آتش کشیدن بیش از صد دستگاه آمبولانس اورژانس، آتش‌زدن مراکز عمومی از قبیل بانک‌ها، مراکز علمی - فرهنگی، شهرداری‌ها، فروشگاه‌های زنجیره‌ای و...)، اصرار برای حمله به مراکز نظامی، مهارت در تخریب، اصرار برای حمله به مراکز اقتصادی، در کنار نقش زنان در این آشوب‌ها، حضور جمعیت حاشیه‌نشین کشور که جزء اقشار پایین جامعه و... (غضنفری و دیگران، ۱۳۹۸: ۸ و ۹) اشاره کرد که برای حل و فصل این چالش، مدیریت و پیشگیری از استمرار بحران‌های مشابه در آینده می‌بایست مورد توجه ارگان‌ها و نهادهای مربوطه قرار گیرد.

### یافته‌های پژوهش: شبکه‌های اجتماعی و بسترسازی و عملیاتی کردن آشوب‌های اجتماعی آبان‌ماه ۱۳۹۸

چنانچه در مبانی تئوریک هم به اهمیت رسانه‌های ارتباطی و اخیراً شبکه‌های اینترنتی و مجازی در سطوح مختلف زندگی انسان‌ها اشاره شد، امروزه اغلب اقشار و طبقات اجتماعی به‌خصوص جوانان دارای گوشی‌های هوشمند می‌باشند و در این شبکه‌ها حضوری فعال دارند و از آن‌ها برای ارتباطات فردی - اجتماعی، سرگرمی، آگاهی بخشی و... استقبال وسیعی داشتند؛ بنابراین امروزه این رسانه‌های مجازی بخش مهمی از زندگی آن‌ها را تشکیل می‌دهد. این شبکه‌ها که به‌مثابه چاقوی دولبه عمل می‌کنند، برای شهروندان فرصت و تهدیداتی در ارتباطات اجتماعی و نظام‌های سیاسی مختلف ایجاد کرده است. بمباران شایعات، تهییج و تحریک عواطف، ارتباطات شبکه‌ای فاقد نظارت و کنترل، شبهه‌افکنی، بسیج‌گری سیاسی - اجتماعی و... این رسانه را بسترساز تهدیدات مختلف برای نظام‌های سیاسی مختلف تبدیل کرده است

(محمودی رجا، ۱۳۹۹: ۸۷). در حقیقت در عصری که به عنوان عصر ارتباطات و اطلاعات معروف است، رسانه‌ها مهم‌ترین نقش را در پوشش خبری رخدادها و تأثیرگذاری بر افکار عمومی ایفا می‌کنند. انواع رسانه‌های مکتوب؛ صوتی و تصویری، اینترنتی و دیجیتالی می‌تواند بر نوع شکل‌گیری افکار عمومی مؤثر بوده و روندهای سیاسی و اجتماعی هر جامعه را به سمت و سوی خاص هدایت کند؛ بنابراین رسانه‌های اینترنتی با ظرفیت‌های خاص خود این قابلیت را دارند که در فضای سایبر به منبعی برای تهدید علیه امنیت ملی کشورها از طریق جنگ نرم، نبردهای سایبری و بسترسازی تحرکات تروریستی و... تبدیل شوند (ضیایی پور، ۱۳۸۸: ۳۸). در حقیقت محیط شبکه‌های اجتماعی تبدیل به یک ابزار کارآمد برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و ایجاد کنش‌های جمعی و در نهایت پیشبرد سیاست‌ها و اهداف بازیگران این عرصه و به ویژه نظام سلطه، در رابطه با کشورهای مخالف گردید. موضوعی که در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران به طور واضح مشاهده نمود.

با توجه به اینکه رسانه‌های اجتماعی علاوه بر نقش رسانه‌ای خود در فضای مجازی، ظرفیت ساماندهی و سازمان‌دهی حرکت‌های اجتماعی و مانورهای خیابانی را در فضای حقیقی دارند، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای آمریکا در قرن بیست و یکم برای اجرای پروژه‌های جنگ فرهنگی، رسانه‌ای، سایبر و همچنین تغییر حکومت در کشورها، به خصوص کشورمان محسوب می‌گردند. (ماه‌پیشانیان: ۲۱، ۱۳۹۰) به نحوی که در تشدید و شکل‌دهی به وقایع چند سال اخیر و به ویژه حوادث آبان‌ماه ۱۳۹۸ که در نتیجه افزایش قیمت بنزین رخ داد، با عملیات اعتبارزدایی از نظام و ارکان آن و سلب اعتماد عمومی زمینه‌ساز اعتراض و آشوب‌های داخلی شدند.

به طور کلی شبکه‌های اجتماعی در دو سطح زمینه‌سازی و شکل‌گیری نارضایتی‌های سیاسی اجتماعی و اغتشاشات خیابانی نقش دارند و هم در مرحله پیاده‌سازی و مانور خیابانی اغتشاشات در آبان ۹۸ نقش داشتند. در ادامه به تبیین و تحلیل این مسائل می‌پردازیم.

## الف) شبکه‌های اجتماعی و زمینه‌چینی اعتراضات خیابانی در ایران آبان ۹۸



باتوجه به مؤلفه‌های مذکور باید گفت که یکی از کارکردهای اساسی رسانه‌ها، از جمله شبکه‌های اجتماعی، اطلاع‌رسانی از تحولات و وقایعی است که در محیط اجتماعی واقع می‌شوند. در حقیقت امروزه با رواج گسترده تلفن‌های هوشمند متصل به اینترنت (اسمارت فن) که شمار این تلفن‌ها را از ۲ میلیون دستگاه در سال ۱۳۹۲ به ۲۰ میلیون در سال ۱۳۹۳ و حدود ۵۰ میلیون دستگاه در سال‌های اخیر رسانید، میزان تعامل و تأثیرپذیری از فضای مجازی را در جامعه ساختارزدایی شده و از نظر فرهنگی متلاطم به اوج رسانید. (خبرگزاری مشرق، ۱۳۹۸) همین مسئله باعث شده است تا اطلاع‌رسانی و انتشار اخبار در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با کمترین فاصله زمانی، بدون محدودیت‌های رسانه‌های رسمی و توسط افراد با هویت پنهان باعث، جذابیت‌های مختلفی برای مخاطبان و طیف‌های مختلف شهروندان جوان شود.

در سال‌های اخیر به‌ویژه در اعتراضات و تجمعات اعتراضی اقشار مختلف در کشور، به‌واسطه احتیاط رسانه‌های رسمی و برخی محدودیت‌ها در انتشار خبر و تحلیل، فضای مجازی به رسانه و بلندگوی متعرضان بدل می‌شود که حضور افراد و گروه‌های مختلف با اغراض سیاسی و جناحی، هر کس به‌ظن خود از آن بهره‌برداری می‌کند. (ایرنا، ۱۳۹۸) در واقع این شبکه‌های اجتماعی که اصلی‌ترین ابزار نفوذ و تبلیغات در میان مردم به‌ویژه در مقوله جنگ نرم می‌شوند، بسیاری از اطلاعات درست و غلط به‌سرعت در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرند. اطلاعاتی که درباره اوضاع سیاسی یا اقتصادی کشور به دست کاربران می‌رسد و فارغ از صحت و سقم آن، می‌تواند در بسیج توده‌ها و اقشار جوان که از قدرت تحلیل پایین و اطلاعات سطحی در مسائل مختلف دارند، مؤثر باشد.

علاوه بر ایجاد محتواهای جذاب و تهییجی، کارکرد دیگر شبکه‌های مجازی، شبکه‌سازی و ایجاد کمپین‌های مجازی است. این کارکرد باعث می‌شود تا با تاکتیک‌های مختلف، نوعی سرمایه اجتماعی ایجاد شود. این تاکتیک بیشتر باهدف جذب افراد و به‌نوعی ایجاد سرمایه‌های اجتماعی در شبکه‌هایی اجتماعی دنبال می‌شود تا از ظرفیت‌های آن برای بسیج عمومی به‌عنوان قدرت نرم مدنی در مقابل نظام استفاده شود و در موعد مقرر سرمایه‌های اجتماعی خود را به‌عنوان پیاده‌نظام به‌صحنه بیاورند. در واقع از این تاکتیک به‌منظور تهییج و تحریک افراد برای حضور میدانی در آشوب‌های خیابانی و ایجاد هماهنگی میان آن‌ها استفاده می‌شود. براین اساس در حوادث آبان‌ماه در راستای تبلیغ و ترویج ضرورت تغییر سیاسی نظام، تقویت مالی نیروهای مخالف داخل نظام، ناکارآمد نشان دادن عملکرد مجموعه نظام، بی‌اعتمادسازی مردمی نسبت به مسئولان و کارگزاران نظام، کارشکنی و دامن‌زدن به اختلافات و شکاف‌های سیاسی و حتی اجتماعی و اقتصادی، تشویق و ترغیب اصلاحات، دامن‌زدن به اختلافات و شکاف‌های قومی و فرقه‌ای و... و با عناوین مختلفی از قبیل «نه به گرانی»، «بنزین نزنیم»، «انتقام خواهیم گرفت» و... با استفاده از ظرفیت موجود در شبکه‌های اجتماعی اقدام به تشکیل کمپین از سوی مخالفین گردید.

تشکیل گروه‌ها، کانال‌ها، اکانت‌های مجازی برای کمپین‌سازی مجازی سبب حضور افراد و اقشار از مکان‌های مختلف و ارتباط و تعامل گسترده آن‌ها باهم می‌شود. پس‌ازاین مرحله آن‌ها می‌کوشند با تبلیغات، شایعه‌پراکنی و دروغ‌پردازی هم‌برافکار عمومی تأثیر بگذارند و هم‌در صورت لزوم افراد را جهت همراهی و حضور میدانی و شکل‌گیری تجمعات خشونت‌بار و غیرقانونی ترغیب و تشویق کنند. هرچند در این نوع فعالیت شبکه‌های فارسی‌زبان مانند من و تو،

بی‌بی‌سی فارسی، صدای آمریکا و ایران اینترنشنال نیز سهم مجزایی داشتند و همچنین سواى فعالانى که واقعاً حساب‌هایی به نام خودشان در شبکه‌های اجتماعی دارند، حساب‌های دیگری نیز وجود دارند که جعلی هستند و در شکل‌دهی به اعتراضات نقش ایفا می‌کنند. برخی بررسی‌ها نشان می‌دهد که این حساب‌ها که معمولاً خارج از کشور محل اعتراض هستند، در دوره اعتراضات ساخته می‌شوند تا در آتش ناآرامی بدمند. به‌عنوان مثال، آمریکایی‌ها برای بسترسازی فتنه در فضای مجازی نزدیک‌ترین گروه‌ها به خود را سازمان‌دهی می‌کنند تا از طریق آن‌ها زمینه‌های ایجاد آشوب را فراهم سازند. از این میان می‌توان به سازمان‌دهی ۵۰۰۰ نفر از منافقین در کشور آلبانی اشاره کرد که به‌صورت مداوم سعی در ایجاد تردید و به‌طور کلی بسترسازی بحران و آشوب می‌نمایند. (غضنفری و دیگران، ۲۰۱۳: ۲۰۱۳۹۸) با این وجود دعوت به تظاهرات که معمولاً از طریق پخش دعوت‌نامه‌ها و مشخص کردن مکان، زمان، شعار و همچنین علت و هدف تجمع از طریق تحریک و تهییج مردم انجام می‌شد، با استفاده از شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گرفت.

آن‌ها با استمرار تحركات فوق، تلاش می‌کنند خود را به‌عنوان یک حرکت و جنبش اجتماعی جا بزنند که می‌کوشند تغییر و تحولات عمیق و بنیادین در ساختار سیاسی - اجتماعی ایران ایجاد کنند. در این راستا هم‌راستا با سیاست‌ها و راهبردهای نرم نظام سلطه علیه ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب اسلامی، محورهای مختلفی را در دستور کار تجمعی خود در فضای مجازی و واقعی قرار داده‌اند.

آن‌ها در بستر تهییج و بسیج‌گری سیاسی - اجتماعی با توجه به ظرفیت و موقعیت خاصی که در اختیار دارند و نیز حجم تعاملات بالایی که توسط این رسانه‌ها صورت می‌گیرد و با دسترسی آسان به مخاطبان، اقدام به فراخوانی آن‌ها با طرح ادعاهایی مانند تمامیت‌خواهی حکومت، نقض حقوق بشر، سرکوب آزادی بیان، تشدید محدودیت بر مطبوعات، تضعیف آزادی گروه‌های سیاسی اجتماعی، صنفی، تشدید محدودیت اقوام مختلف، زنان، دانشجویان و بازداشت بعضی افراد، القای شکاف بین مردم و رهبران، القای نبود حمایت مردمی و مشروعیت‌بخشی به تصمیم‌های رهبران و... برای تشکیل تجمعات می‌کنند و درصدد به چالش کشیدن مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران هستند؛ و در نهایت انسجام‌زدایی ساختاری از جامعه ایران را در دستور کار خود قرار دادند. (پایگاه تبیینی تحلیلی مصداق، ۱۳۹۶) موضوعی که حتی در حوادث آبان‌ماه و با استفاده از انتشار عکس‌ها و تصاویر ساختگی برخورد با معترضان در خیابان‌ها و شایعه‌هایی مبنی بر خروج مسئولان از کشور، آرامش روانی مردم را مختل کرده و آن‌ها را برای پیوستن به اغتشاشگران تحریک و تشویق می‌کردند.



## ب) شبکه‌های اجتماعی و پیاده‌سازی آشوب‌های خیابانی

مجموع اقداماتی که در شبکه‌های اجتماعی برای ایجاد و بسترسازی اعتراضات و نافرمانی مدنی از سوی شهروندان و اقشار جوان و احساساتی در دستور کار قرار گرفت، هدف و رسالتی برای تحقق اصل بی‌ثباتی سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سطوح و ابعاد مختلف دارند. پس از این مراحل، پیاده‌سازی و عملیاتی کردن آشوب‌ها و نارضایتی‌های خیابانی در شبکه‌های مجازی در دستور کار آنها قرار گرفت. در این چارچوب اقدامات مختلفی چون ایجاد تجمع و مانور خیابانی، هدایت و سازمان‌دهی تجمعات، هیجانی ساختن فضای جامعه از طریق پروژه‌های کشته‌سازی، مظلوم‌نمایی، حماسه بافی، دو قطبی‌سازی و... پیاده‌سازی و لشکرکشی خیابانی را در پی داشت. در زیر مهم‌ترین محورهای اثرگذار شبکه‌های اجتماعی در پیاده‌سازی آنارشیزم<sup>۱</sup> سیاسی - اجتماعی و پیاده‌سازی اغتشاشات خیابانی در آبان ۹۸ ایران اشاره می‌شود:



در مورد مؤلفه‌های مذکور در پیاده‌سازی و عملیاتی کردن اغتشاشات خیابانی در ایران باید گفت که این شبکه‌ها در حوزه‌های مختلف نقش و کارکردهای مختلفی دارد. شبکه‌های مجازی با توجه به امکاناتی که در اختیار دارند نقش رهبری گروه‌های معترض را برعهده گرفته‌اند. به این

1. Anarchism

صورت که آن‌ها علاوه بر نقش رسانه‌ای خود در فضای مجازی، ظرفیت ساماندهی و سازمان‌دهی حرکت‌های اجتماعی، تحصن و مانورهای خیابانی را در فضای حقیقی برعهده گرفتند. حضور معترضان بخش‌های از جامعه در خیابان‌ها و در مقابل انظار عمومی، چه به صورت تظاهرات مسالمت‌آمیز و چه به صورت اعتصاب، بست‌نشستن و مانند این‌ها، از یک‌سو، دهن‌کجی سیاسی به حکومت و اعلام آشکار این پیام به حکومتگران است که بخش‌هایی از جامعه، قدرت مستقر را نمی‌خواهند و از سوی دیگر، ارسال پیام عدم مقبولیت حکومت به طرف‌های ثالث، از جمله افکار عمومی داخلی، افکار جهانی و دولت‌های خارجی است. این شبکه‌ها برای پیشبرد جنگ نرم، آموزش، تحریک و تهییج مردم و به‌طور کلی اقناع افکار عمومی برای پیوستن آن‌ها در مانورهای خیابانی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. این مسیر در جریان اغتشاشات آبان ۱۳۹۸ در ایران برای مشروعیت‌زدایی و اعتبارزدایی ساختار و سیستم نظام سیاسی در اذهان شهروندان مدنظر قرار گرفت. در آبان‌ماه ۱۳۹۸ توانستند با استفاده از فضای به وجود آمده به‌خاطر افزایش سه‌برابری قیمت بنزین و همچنین مشکلات معیشت مردم، افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داده و آن‌ها را مجاب سازند که برای احقاق حقوق خود و اعتراض به شرایط موجود وارد میدان شوند و دست به اعتراض و آشوب بزنند.

در راستا استمرار و تقویت مانورهای خیابانی، هیجانی کردن فضای سیاسی - اجتماعی در ایران، دیگر تاکتیکی بود که این شبکه‌ها در حوادث آبان ۱۳۹۸ به کار گرفتند. در این چارچوب استفاده از حرب‌هایی چون کشته‌سازی، مظلوم‌نمایی، حماسه بافی، دوقطبی‌سازی به صورت شبانه‌روزی در دستور کار آن‌ها قرار گرفته بود. انتشار خبرهایی مبنی بر برخوردهای خشونت‌آمیز پلیس و نیروهای امنیتی با تظاهرات‌کنندگان، وجود شکاف میان مردم و نظام و... باهدف دستکاری افکار عمومی، تضعیف سرمایه اجتماعی و پمپاژ ناامیدی و ناامنی روانی جامعه در فضای ماهواره‌ای و کانال‌های شبکه‌های مجازی معاندین انتشار می‌یافت.

پروژه کشته‌سازی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بهانه‌های رودررو قرار دادن مردم با نیروهای انتظامی و درنهایت حاکمیت از همان ابتدا به‌شدت دنبال شد به‌گونه‌ای که تعداد زیادی از جان‌باختگان در اعتراضات اخیر از پشت با چاقو، سنگ، میله آهنی یا تفنگ شکاری و بعضاً گلوله جنگی توسط آشوبگران کشته شده‌اند. (خبرگزاری میزان؛ ۱۳۹۸) به عبارتی فضای غبارآلود پس

از آشوب‌های ناشی از افزایش قیمت بنزین، بستری را برای سوءاستفاده معاندین و هجمه بیشتر به جمهوری اسلامی با انتشار اخبار دروغین و شایعاتی مانند تیرباران مردم با بالگرد در شهرهای مختلف، برقراری حکومت نظامی و ورود نیروهای نظامی از کشورهای دیگر و کشته‌سازی‌ها فراهم کرده بود.

در ادامه باید گفت که کارکرد شبکه‌های اجتماعی تنها به مرحله عضوگیری و دعوت به تجمع ختم نمی‌شود؛ بلکه هدایت و سازمان‌دهی تجمعات نیز از جمله فعالیت‌هایی است که توسط شبکه‌هایی اجتماعی انجام می‌گیرد و این شبکه‌ها در بروز آن نقش دارند. به گونه‌ای که این رسانه‌ها تعیین می‌کنند که تجمعات و آشوب‌ها، از کجا، چه زمانی، با چه شعاری، به چه دلیلی و به سمت چه هدفی و در چه سطحی از خشونت انجام شود. در این رابطه کاستلز معتقد است رسانه‌های دیجیتال، زیرساختی برای شبکه‌بندی مردم فراهم کرده‌اند. به گونه‌ای که پیوندهای ارتباطی عمیق و ظرفیت‌های سازمانی در گروه‌های مخالف ایجاد شده است (کاستلز، ۱۳۸۴: ۱۲۳ - ۱۲۵).<sup>۱</sup> از آنجا که جنبش‌های شبکه‌ای از طریق تعامل بین هسته‌های چندگانه، کارکردهای هماهنگی و هم‌اندیشی را تضمین می‌کنند، بنابراین این جنبش‌ها نیازی به رهبری رسمی، مرکز فرماندهی و کنترل یا سازمانی عمودی برای توزیع اطلاعات یا دستورالعمل‌ها ندارند. (محمدی‌لرد، ۱۳۹۸: ۱۲). با در مجموع باید گفت که بخش مهمی از ساماندهی ارتباطات میان جوانان، اغتشاشگران و معترضین در تحولات آبان‌ماه ۹۸ در ایران از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی صورت گرفت (حسینی مقدم و قنبرپور، ۱۳۹۳: ۶۵).

پوشش زنده حوادث، اتفاقات و هیجانی و حماسی کردن تحرکات اغتشاشگران، دیگر تاکتیک مهمی است که این شبکه‌ها در حوادث آبان ۱۳۹۸ به کار بسته‌اند. در واقع ماهیت سایت‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی به گونه‌ای است که با کاربران خود به‌طور زنده و پویا رفتار می‌کنند. در این بستر شبکه‌های اجتماعی که در آن‌ها گروه و کانال‌های مختلفی ساخته شده و افراد زیادی حاضر هستند و از محتواهای آن‌ها استفاده می‌کنند، یک خبر به سرعت بدنه و لایه مختلف جامعه پخش و منتشر می‌شود. در این شبکه‌ها فقط کافی است تنها یک نفر خبر مهمی را ذکر کند تا در عرض تنها چند دقیقه و به‌واسطه پیوند دادن به آن خبر توسط دوستان این فرد، اقشار و طبقات مختلف جامعه و جوانان تحت تأثیر مثبت و منفی آن قرار گیرند و به آن مشغول شوند.

1. Emmanuel Castells

(ضیایی‌پرور، ۱۳۸۸:۱۳). علاوه بر انتشار این اخبار و محتواها به صورت گسترده در سطح داخل، ارسال و انتشار آن‌ها برای کاربران خارجی، خوراک تبلیغی خوبی برای پیشبرد جنگ روانی و پروپاگاندا رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران گردید. آن‌ها با این اقدامات دنبال عقب‌نشینی و تغییر رفتار ایران در حوزه‌های داخلی و منطقه‌ای بودند.

دیگر کارکرد مهم شبکه‌های اجتماعی در اغتشاشات آبان ۹۸، تحریک و آموزش افراد به هنجارشکنی و ایجاد ناامنی به منظور اخلال در سازوکارهای مدیریتی نظام سیاسی - اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی بود تا بتوانند در یک بستر ترکیبی علاوه بر دامن زدن به نارضایتی‌های اجتماعی، جنگ داخلی در سطوح مختلف کشور ایجاد کنند. در این راستا آموزش‌های از قبیل مقابله با اشک‌آور، ساخت بمب‌های دستی و دعوت مردم به اغتشاش و خشونت، بستن معابر و خیابان‌ها، تخریب اماکن عمومی و... به صورت آشکار به شهروندان و آشوبگران آموزش داده می‌شد.

شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام و تلگرام ماه‌ها پیش از اغتشاش با آموزش‌های خشونت سازمان‌دهی شده و ساخت کوکتل مولوتوف<sup>۱</sup> به انحراف ذهنی جوانانی پرداختند که هدفشان از ورود به این شبکه‌ها صرف اوقات فراغت و نوعی تفریح و خوش‌گذرانی بود. (آل داود، ۱۳۹۸:۲۴) به عبارتی آن‌ها با استفاده از تعابیر تحریک‌آمیز و تند تلاش کردند به ناامنی و ناپایداری‌ها دامن بزنند و جریان بی‌ثباتی و خشونت را هدایت و گسترش بدهند. همچنین آموزش ادامه ارتباط میان مخاطبان با رسانه در صورت مسدود شدن رسانه یا فیلتر شدن آن و یا قطع سراسری اینترنت نیز نشان‌دهنده برنامه‌ریزی هدفمند و حساب‌شده جریانات پشت پرده آشوب‌های آبان‌ماه و پیش‌بینی سناریوهای مختلف توسط آن‌ها بوده است. در کنار آن، دعوت به شعارنویسی روی دیوارها که نوعی نمادسازی ناامن‌کننده از دیگر اقدامات این رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بود. در راستای استمرار و تقویت اعتراضات خیابانی و شرایط بی‌ثبات، رسانه‌های مجازی تاکتیک دیگری تحت عنوان "برچسب‌زنی" را طی سالیان اخیر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و نهادهای انقلابی و ارزشی به کار بسته‌اند. در حقیقت هدف استفاده از تاکتیک برچسب‌زنی، این است که ایده، فکر یا گروهی محکوم شود، بدون آنکه استدلالی در محکومیت آن‌ها ذکر شود (جنیدی، ۱۳۸۹:۱۱۰). این تکنیک همچنین به منظور به انفعال کشاندن طرف مقابل خود،

1. Motolov cocktail

متهم کردن و انگ زدن به آن به کار می‌رود. (ریاحی، ۱۳۹۰: ۱۳۵). طی سالیان اخیر به‌وفور در فضای ماهواره و جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای معاندین مشاهده می‌شود که آن‌ها تلاش می‌کنند با طراحی و انتشار اتهاماتی نظام سرکوبگر، رژیم دیکتاتور، ناقض حقوق بشر، فضای بسته، معترضین بی‌دفاع، آینده تاریک و... چهره‌ای تخریبی و بسته از نظام و ارزش‌های انقلابی در افکار عمومی داخل و جهان ارائه دهند. این تاکتیک‌های روانی نیز در شبکه‌های اجتماعی - ماهواره و در جریان آشوب‌های اجتماعی آبان‌ماه به‌منظور تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطبین بسیار مدنظر بود. به‌طور مثال، سرکرده گروهک منافقین با صدور پیامی ایجاد اغتشاش و رعب و وحشت را قیام از بین نرفتنی دانست و نظام جمهوری اسلامی ایران را در مهار اغتشاش ناتوان و ضعیف خواند. او مخاطبان خود را به تسلیم‌نشدن و ازپاننشستن دعوت کرد و آنان را ارتش بیکاران و گرسنگان و سرکوب‌شدگان خواند (جوادی منش، ۱۳۹۸: ۲۷).

در ادامه فضا سازی رسانه‌ای و مجازی علیه انقلاب اسلامی و استمرار فضای آنارشیسم اقتصادی - اجتماعی، شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی به‌صورت گسترده برای تفرقه‌افکنی، جهت‌دهی اذهان، ناامیدی، به‌صورت تدریجی و خزنده در دستور کار قرار گرفت.

مهم‌ترین تأثیر شایعه را می‌توان در تشویش افکار عمومی و موج‌سواری اشخاصی که به دنبال رسیدن به اهداف خاص هستند یافت. چراکه بر اساس تحقیقات صورت گرفته ۶۵ درصد آشوب‌های اجتماعی بر اساس شایعات شکل می‌گیرد. (خبرآنلاین، ۱۳۸۸) با این وجود چیزی که مسلم است اینکه از این تاکتیک در آشوب‌های آبان‌ماه ۹۸ و آشوب‌های مربوط به افزایش قیمت بنزین توسط گروه‌های معاند و مخالف نظام و با استفاده از بستر شبکه‌های اجتماعی به کرات استفاده شد. در حقیقت ابزارهایی نظیر تلگرام و اینستاگرام که امروز آزادانه و بدون هیچ‌گونه پاسخگویی به شرایط و قوانین و حتی عرف کشور ما به‌صورت آزادانه مشغول به کار هستند، بستر اصلی شایعات و جنگ روانی از طرف بدخواهان ملت ایران و جریان نفوذ هستند. این رسانه‌ها با عملکرد بدون پاسخ خود منجر به ایجاد نارضایتی، بی‌اعتمادی و تشویش افکار عمومی، اختلال در آرامش روانی شهروندان و ترغیب و تحریک شهروندان برای پیوستن به گروه‌های آشوبگر شده بودند. ارائه اخباری مبنی بر خروج ارز و طلا از کشور توسط آقازاده‌ها، موج فرار مسئولان به خارج از کشور در هنگام ناآرامی‌ها و یا انتشار عکس‌های ساختگی برخورد با معترضان به‌وسیله

تانک در خیابان‌ها، همگی در چارچوب این تاکتیک خبری مورد استفاده قرار گرفت. (www.farsnews.ir/news, ۱۳۹۶).

نهادینه شدن اخبار و روایت‌های شایعه‌محور، سبب پذیرش اخبار دروغین در بدنه جامعه و اقشار احساساتی و معترض می‌شود. در واقع نسل جدید ابزارهای ارتباطی با فراگیر شدن میان اکثر مردم جامعه توانسته تا اندازه قابل توجهی جایگزین منابع اطلاع‌رسانی رسمی شود. در واقع اخبار ابزارهای ارتباطی نظیر تلگرام، توئیتر و اینستاگرام از ضریب نفوذ بالایی در میان مخاطبان برخوردار شده‌اند. (مشرق نیوز، ۱۳۹۶) و همین عامل باعث شده است «اخبار دروغ» یا «اخبار جعلی یا فیک نیوز» (fake news) خیلی سریع هم بین کاربران دست‌به‌دست می‌گردد؛ و منجر به تشویق و تحریک مردم را به تظاهرات و ایجاد اغتشاش شود. با این وجود، بعد از شکل‌گیری تجمعات اولیه اعتراضی نسبت به افزایش قیمت بنزین با ورود و سازمان‌دهی ادمن‌های کانال‌های مختلف به خصوص تلگرام و با انتشار تصاویر جعلی و قدیمی با عنوان اغتشاشات اخیر نقش مهمی در استمرار تحرکات آشوب طلب در آبان ۹۸ داشت. مواردی از این دست مثل (انتشار کلیپ‌هایی با دعای بازداشت زیاد شهروندان، تیراندازی مستقیم نیروهای امنیتی - بسیجی و نظامی به سوی شهروندان، ادعای استفاده سپاه از سلاح‌های نیمه‌سنگین دوشکا و تیربار برای هدف گرفتن معترضان، تعمیم دادن اعتراضات یک استان به کل کشور، فرار مسئولین و سقوط برخی شهرها و کنترل آن‌ها توسط مردم و...) از سوی این کانال‌ها و شبکه‌های مجازی سبب جهت‌دهی نادرست اعتراضات و تبدیل شدن آن‌ها به آشوب و اغتشاشات خیابانی و تخریب اماکن و وسایل عمومی در برخی مناطق کشور گردید.

یکی از مصادیق جنگ نرم سایبری، مقابله با فیلترینگ و اتخاذ راهبرد ضد فیلترینگ است. در زمینه مقابله با سیاست فیلترینگ جمهوری اسلامی ایران، تلاش‌های سازمان‌دهی شده فراوانی برای دورزدن فیلترینگ در فضای اینترنت صورت گرفته است. این اقدامات از راه‌اندازی کمیته‌های به اصطلاح مقابله با فیلترینگ تا آموزش روش‌های مقابله با پارازیت‌های ماهواره‌ای را شامل می‌شود. موضوع فیلترینگ و ضد فیلترینگ، موضوع چالش‌برانگیزی است که طی سال‌های گذشته در فضای سایبر ایرانی مطرح بوده است. با افزایش دامنه فیلترینگ سایت‌های معاند و مخالف نظام در ایران، فعالیت شرکت‌ها و سازمان‌های غربی برای ساخت و ارائه فیلتر شکن‌های

جدید نیز افزایش یافته است. (ضیایی پور، ۱۳۸۸: ۲۳) اما از نکات بسیار مورد توجه در فتنه آبان ۱۳۹۸ می توان به مدیریت حدود ۱۰ کانال، صفحه و اکانت شاخص ضدانقلاب مانند اسرائیل به فارسی، مملکت، کلمه، فاکس نیوز، سحام نیوز، راسویاب، آژانس ایران خبر، جهان باستان، تقاطع و فیگارو فارسی<sup>۱</sup> اشاره کرد که هم زمان با قطع اینترنت در داخل فعالیت هایشان متوقف شد و ساعت بعد با ارائه فیلتر شکن های داخلی و ۲۴ اینترنت بین المللی به خبرگزاری ها و رسانه های داخلی و... فعالیت هایشان را از سر گرفتند که نشان می دهد مدیران این کانال ها که از عوامل اصلی وقوع این فتنه به حساب می آیند، در داخل کشور حضور دارند. نکته جالب استمرار ارتباط با اینترنت جهانی اینترنتی سران بازداشتی فتنه ۸۸ و به روزرسانی صفحاتشان در توییتر<sup>۲</sup> و تلگرام برای حمایت از فتنه گران فتنه ۱۳۹۸ بود (آل داود، ۱۳۹۸: ۲۵).

### شبکه های اجتماعی کاربردی در اغتشاشات آبان ۱۳۹۸

پس از شناخت ماهیت تنوریک، هیجانی و عملیاتی شبکه های مجازی در آشوب های خیابانی و به طور کلی پروژه بی ثبات سازی سیاسی - اجتماعی و اقتصادی ایران، می بایست به برخی از مهم ترین ابزارهایی اشاره کرد که نقش اصلی و برجسته را برعهده داشتند. باید گفت که در پروژه نبرد ترکیبی و نرم نظام سلطه علیه انقلاب اسلامی، ابزارها و تاکتیک های مختلفی به کار گرفته شده است. روزنامه ها، ماهواره ها، رسانه های همگانی و اینترنت در کنار شبکه های اجتماعی، از جمله مهم ترین ابزارهایی بود که طی سالیان اخیر علیه جمهوری اسلامی به کار گرفته شد. طی چند سال اخیر به دنبال رشد سریع جمعیت و در دسترس بودن همگانی گوشی های هوشمند، در کنار فضا سازی ماهواره ای، شبکه های مجازی و اجتماعی نقش اصلی را در پیشبرد اهداف نظام سلطه علیه ایران برعهده گرفته اند. جوانان ایرانی در شبکه های مختلفی حضور دارند؛ اما مهم ترین نرم افزارهایی که در تحولات آبان ۱۳۹۸ نقش اصلی را در هیجانی کردن فضا و استمرار آشوب های خیابانی برعهده داشت، نرم افزارهای تلگرام، اینستاگرام، یوتیوب<sup>۳</sup>، واتساپ و توییتر و... بودند. در آن بازده زمانی تلگرام با عضویت بیش از ۴۵ میلیون

1. Figaro Persian  
2. Twitter  
3. YouTube

کاربر ایرانی و اینستاگرام با بیش از ۳۰ میلیون، واتساپ، فیس‌بوک، توئیتر و... نقش اصلی را در سازمان‌دهی و استمرار اغتشاشات خیابانی برعهده داشتند (مهدوی، ۱۳۹۸: ۵۱).

در واقع ابزارهایی نظیر تلگرام و اینستاگرام که امروز آزادانه و بدون هیچ‌گونه پاسخگویی به شرایط و قوانین و حتی عرف کشور ما به صورت آزادانه مشغول به کار هستند، بستر اصلی شایعات و جنگ روانی از طرف بدخواهان ملت ایران و جریان نفوذ هستند. (آل‌داود، ۱۳۹۶). همچنین یوتیوب در حال حاضر به عنوان پرطرفدارترین سایت آنلاین برای اشتراک‌گذاری برنامه‌های ویدئویی است. هرچند به خاطر سرعت پایین دسترسی به اینترنت در ایران، مشکلاتی زیادی برای تماشای راحت ویدئوهای یوتیوب دارند؛ ولی این سایت در ایران هم مورد توجه است. در ارتباط با نقش توئیتر می‌توان گفت که توئیتر یک سرویس شبکه اجتماعی و میکرو بلاگینگ است که به کاربران ثبت‌نام‌شده امکان خواندن و ارسال پیام‌های کوتاه به نام توئیت را می‌دهد. پیام‌های توئیتر محدود به ۲۸۰ حرف است و همچنین کاربران می‌توانند عکس یا فیلم کوتاه بارگذاری کنند. توئیت‌ها به یک نمایه در دسترس عموم ارسال می‌شوند یا می‌توانند به صورت پیام مستقیم برای سایر کاربران ارسال شوند. بخشی از جذابیت‌های این پلتفرم اجتماعی این است که کاربران می‌توانند هر کاربر دیگری را با نمایه عمومی دنبال کنند و با افراد مشهوری که به طور منظم در سایت رسانه‌های اجتماعی پست می‌کنند تعامل داشته باشند. (Clement, 2019) همچنین این توئیت‌ها عملکردهای مختلفی را به خود اختصاص دادند، از انتشار اخبار فیلتر نشده، البته اغلب تأیید نشده در سراسر جهان تا سازمان‌دهی پشتیبانی از افراد درگیر در مبارزه را شامل می‌شود. (2009, <https://www.journalism.org>) به طوری که در مورد جامعه ایران مرکز دیپلماسی عمومی دانشگاه کالیفرنیا آمریکا در گزارشی بر نقش وب‌سایت‌هایی مانند توئیتر در ناآرامی‌های پس از انتخابات ایران پرداخت و تأکید کرد ۹۸ درصد از پیوندهای توئیتر درباره ایران، در خصوص انتخابات و ناآرامی‌های پس از آن بود. (پایگاه تبیینی تحلیلی مصداق، ۱۳۹۶) همچنین وال‌استریت ژورنال در گزارش خود ضمن اشاره به استفاده فراوان از شبکه توئیتر در تحولات اخیر در ایران مدعی شد: چنانچه به «انقلاب سبز» در ایران که توسط شبکه اجتماعی «توئیتر» قدرتمند شده است، بنگرید خواهید دید که از فناوری شبکه‌های اجتماعی



نظیر تویتر بهره گرفته است تا در مقایسه با سال‌ها تحریم، تهدید و مذاکرات در ژنو، اقدامات بیشتری را در جهت تغییر حکومت در جمهوری اسلامی صورت دهد. (ضیایی‌پور، ۱۳۸۸: ۲۷) در مجموع در فتنه اخیر و در پی افزایش قیمت بنزین استفاده زیادی از این شبکه‌ها از سوی مخالفین و آشوبگران به عمل آمد در حقیقت نسل جدید ابزارهای ارتباطی با فراگیر شدن میان اکثر مردم جامعه توانسته تا اندازه قابل توجهی جایگزین منابع اطلاع‌رسانی رسمی شود. در واقع اخبار ابزارهای ارتباطی نظیر تلگرام، تویتر و اینستاگرام از ضریب نفوذ بالایی در میان مخاطبان برخوردار شده. (مشرق نیوز، ۱۳۹۶)؛ و همین عامل منجر به تأثیرگذاری آن‌ها در میان مخاطبین گردیده است. به نحوی که این شبکه‌ها و بخصوص تویتر و اینستاگرام نقش کاربردی در شبکه‌سازی و کمپین‌سازی برای ایجاد آشوب‌های اجتماعی آبان‌ماه داشتند. در واقع فضای مجازی در این جریان بستر یارگیری، برنامه‌ریزی و هدایتگری جریان اغتشاش بود. به طوری که پس از این که این فضا دچار اختلال می‌شود، آشوب و اغتشاش فروکش می‌کند.

### پیامدهای اقتصادی اعتراضات اخیر

این رفتارهای واگرایانه و هنجارگریز در قالب اعتراضات خیابانی در حوزه‌ها و ابعاد مختلف (سیاسی، اجتماعی، امنیتی، اقتصادی) جامعه به صورت زنجیروار مستقیماً و غیرمستقیم اثرگذار است. یکی از این حوزه‌ها ابعاد اقتصادی - رفاهی و توسعه‌ای است. از آنجایی که بی‌ثبات‌سازی سیاسی - اجتماعی و اقتصادی یکی از اهداف کلان دولت‌های غربی علیه انقلابی اسلامی در سطح و داخل است، این رفتارهای خشونت‌آمیز و هنجارگریز، سطوح اقتصادی و برنامه‌های توسعه‌ی کشور را با خلل و مخاطرات جدی مواجه می‌کند. در این حوزه می‌توان به این موارد اشاره کرد.

کاهش ارزش پول ملی، التهابات و بی‌ثباتی اقتصادی (افزایش سرسام‌آور ارز، مسکن، طلا، اجناس معیشتی و...)، ناامنی اجتماعی و از بین رفتن فرصت سرمایه‌گذاری و ریسک بالای مشارکت در فعالیت‌های تولیدی، خسارت‌های شدید به زیرساخت‌های عمومی (آتش زدن بانک‌ها، مؤسسات دولتی و تخریب اموال عمومی)، کاهش قدرت عرضه و تقاضا در بازار،

هزینه‌های هنگفت بازسازی و تعمیر اموال تخریب‌شده، پایین آمدن درآمد سرانه، کاهش توان تولیدی و صادرات نفتی و غیرنفتی، بیکار اصناف و مشاغل مختلف (کاسب‌ها، مغازه‌داران، کارگران، کارخانجات و...)، فروش پایین به دلیل ناامنی‌های شبانه‌روزی، فیلترینگ اینترنت و ضربه زدن به کسب و کارهای اینترنتی، پایین آمدن پهنه باند اینترنت و کاهش سرعت اینترنت، چهره منفی و جنگ‌زده و ناامن از کشور در سطح دنیا و کاهش اعتبار سطح اقتصادی کشور در نهادها و سازمان‌های اقتصادی منطقه و دنیا و... به‌طور کلی فشار کوتاه‌مدت، بلندمدت بر چرخه اقتصادی کشور از جمله پیامدهایی بود که معاندین انقلاب از طریق بی‌ثباتی سیاسی - اجتماعی و اعتراضات خشونت‌آمیز در نظر داشتند و این اعتراضات خشونت‌آمیز برای کشور چالش‌های عمیق ایجاد کردند. در مجموع باید گفت که این اعتراضات به‌صورت زنجیروار، به اثرگذاری و موفقیت بیشتر تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی غربی علیه چشم‌انداز راهبردی ایران کمک شایانی خواهند کرد. این اعتراضات طبیعتاً بر حوزه اقتصادی، اشتغال، اثرات مستقیم و غیرمستقیمی بر روند توسعه و چشم‌انداز راهبردی رشد کشور در داخل، منطقه و جهان دارند. در مجموع باید گفت که بی‌ثباتی سیاسی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی به‌صورت ترکیبی از جمله اهداف و پیامدهایی است که این اعتراضات خشونت‌آمیز، غیرقانونی و هنجارگریز بر ابعاد و سطوح مختلف کشور تحمیل کرده و خواهند کرد؛ لذا ضروری است با نگاه جامع ابعاد و اثرگذاری همه‌جانبه‌ی آن را مدنظر داشت و سیاست‌گذاری مطلوب برای برون‌رفت از وضع موجود به وضع مطلوب مدنظر داشت.

## نتیجه‌گیری تحقیق

یافته‌های پژوهش در خصوص نقش شبکه‌های اجتماعی در آشوب‌های اجتماعی آبان‌ماه ۱۳۹۸، حاکی از آن است که امروزه ظهور فناوری‌های نوین، به‌ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، تأثیرات شگرفی بر تعاملات انسانی گذاشته است و به نحوی فضا برای شکل‌گیری اجتماعات جدیدی از کاربران فراهم شده است. در واقع شبکه‌های اجتماعی امروزه با توجه به قابلیت‌هایی موجود در آن‌ها، در زمینه آشوب‌های اجتماعی و مانورهای خیابانی نقش بسیار چشمگیری دارند. براین اساس شبکه‌های اجتماعی ابزار مناسبی در مقوله جنگ نرم علیه کشورهای

مخالف سیاست‌های غرب می‌باشد. به طوری که این قدرت‌ها و به ویژه آمریکا، از این ابزار برای مهار و یا ایجاد آشوب داخلی در امور کشورهای هدف استفاده می‌نمایند. در واقع این شبکه‌ها دارای نقش‌های مختلفی از جمله ظرفیت ساماندهی و سازمان‌دهی حرکت‌های اجتماعی و مانورهای خیابانی را در فضای حقیقی در این رابطه برخوردارند؛ و مشخص می‌شود طی دوره مورد بررسی این تحقیق، یعنی آبان‌ماه ۱۳۹۸ جنگی واقعی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی جریان داشته است و طرفین منازعه از تاکتیک‌های مختلفی در این راستا بهره برده‌اند. این جنگی است که هنوز پایان نیافته و هر روز ابعاد جدیدی از آن آشکار می‌شود. بررسی محقق نشان داد که کشورهای مخالف ایران، برای بهره‌برداری از اعتراضات بعد از جریان افزایش قیمت بنزین در ایران دارای برنامه مدون و استراتژی مصوب با بودجه‌های مشخص بوده‌اند.

پوشش غیرواقعی خبری اغتشاشات و دعوت به تجمعات غیرقانونی، توهین و فحاشی، دخالت آشکار بعضی سیاستمداران و دولتمردان غربی در امور داخلی ایران و دامن زدن به ناآرامی‌های موجود، بیانیه نویسی، نامه‌نگاری، راه‌اندازی کمپین علیه انقلاب اسلامی به بهانه‌های مختلف، هدایت، آموزش و تشویق اغتشاش‌گران برای ایجاد ناامنی و آشوب، هدایت، آموزش و تشویق اندک هواداران داخلی به هنجارشکنی و ایجاد ناامنی در جامعه، هتک حرمت به مسئولان و توده‌های مختلف مردم و آموزش و تشویق اغتشاش‌گران برای انجام عملیات تروریستی، به منظور ایجاد ناامنی در کشور، از جمله نمونه‌های کاربرد شبکه‌های اجتماعی مجازی علیه کشورمان است. در واقع نقش این شبکه‌ها در شرارت‌های سال ۹۶، اقدام تروریستی علیه خانه ملت و غائله آبان ۹۸ دیگر کمتر کسی شک دارد این شبکه‌ها می‌توانند به عنوان اسب تراوی دشمن، آرامش و امنیت ملی کشور را برهم بزنند و امکان اختلال در جریان آزاد اطلاعات در کشور و اعمال راهبردهای جنگ شناختی را به دشمن می‌دهد. اشاراتی از این دست، از اهمیت این حوزه، جهت فعالیت رسانه‌ای برای برخورد با نظام‌های معارض در ادبیات سیاسی آمریکا پرده برمی‌دارد. حال با این وجود باید توجه داشت ما امروز با موضوع مهم فقر دانش رسانه و ضعف بصیرت نخبگان و خواص طرف هستیم که باید آنان در سطوح حاکمیتی و مدیریتی برنامه‌ریزی هدفمند داشته باشند؛ امروز شبکه‌های مجازی رها شده‌اند و ما به جای راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات، هیچ استقلالی در

فضای مجازی نداریم؛ و این مسئله امروز جایگاه ما را در استفاده صحیح از فضای مجازی مبتنی بر مهارت از رسانه‌ها و ابزارهای وابسته به آن به شدت تقلیل داده است. به طوری که امروز تلگرام و اینستاگرام و دیگر ابزارهای هوشمند از این دست داخل کشور ما به دلیل استفاده از پروتکل‌های رمزنگاری اطلاعات حق هیچ‌گونه مدیریت و پالایش و اشرافی را حتی با قوانین بین‌المللی به ما نمی‌دهند که این می‌تواند برای جامعه ما بسیار تهدیدزا و خطرآفرین مخصوصاً اگر بحث امنیت روانی و امنیت اجتماعی نظیر مقابله با تحریکات گروه‌های اغتشاش‌آفرین و تروریستی مطرح باشد؛ لذا برای تأمین امنیت کشور در تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیاز به ملی‌سازی فضای سایبری و توسعه شبکه ملی اطلاعات و شبکه ملی اجتماعی داریم تا تجارب تلخ چند سال گذشته دوباره تکرار نشود. در واقع، راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات و فرهنگ‌سازی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و ملی در حوزه سواد رسانه می‌تواند مردم را در فضای مجازی ایمن کند. همچنین اینکه وجود این آشوب‌ها نشان داد که در ایران نهادهایی که باید خواست‌ها و اعتراضات معیشتی مردم فرودست را نمایندگی کنند وجود ندارند. این خلاء برای آینده ایران خطرناک است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

- اکبری، احمد (۱۳۸۹). «نقش شبکه‌های اجتماعی در ایجاد و مهار بحران‌ها». مجله ره‌آورد نور. تابستان ۸۹. شماره ۳۱: ۳۲ تا ۳۹.
- امیری، ابوالفضل، (۱۳۹۰)، **جنگ نرم از تهدید تا مواجهه**، انتشارات کیهان، چاپ دوم
- اندیشکده راهبردی امنیت نرم (۱۳۸۸)، **رهیافت راهبر: تبیین راهبردی جنگ نرم در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی**.
- آقایی، سید داود، صادقی، سید سعید، هادی، داریوش (۱۳۹۱) «واکاوی نقش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی جدید در تحولات منطقه خاورمیانه و شمال افریقا (اطلاع‌رسانی، سازماندهی و گسترش سریع تحولات)»، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۲: ۷ - ۳۵.
- آل داود، سید علیرضا. (۱۳۹۸). «شبکه اغتشاش در فضای مجازی». آشوب شیطان/ ضمیمه شماره ۹۲۴، هفته‌نامه صبح صادق. آذرماه ۱۳۹۸.
- آل‌داود، سید علیرضا، (۱۳۹۶). «چهار تکنیک شایعه‌سازی بر بستر فضای مجازی برای تأثیرگذاری بر انتخابات»، انتشار یافته در خیرگزاری تسنیم (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۶).
- آهنی، محمدرضا، ابراهیمی، خدایار (۱۳۹۲) «شبکه‌های اجتماعی مجازی»، فصلنامه رصد جنگ نرم، شماره ۲: ۱۲۹ - ۱۴۶.
- باقری چوکامی، سیامک (۱۳۹۲)، **تبارشناسی معرفتی جنگ نرم**، مجله پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی: ۹۴-۷۱.
- پرواس، سید رضا و دیگران (۱۳۹۵)، **چیستی جنگ ترکیبی، اشتباهات تکراری در مباحث نظامی**، فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال ۱۲، شماره ۳۷.
- پیری، حیدر (۱۳۹۲) «فراز و فرود حاکمیت در مقابله با شورش‌ها و ناآرامی‌های داخلی در پرتو حقوق بین‌الملل» مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و نهم: ۵۳ - ۷۹.
- جنیدی، رضا (۱۳۸۹). «تکنیک‌های عملیات روانی و شیوه‌های مقابله با آن». چاپ دوم. مشهد: انتشارات؛ به نشر. جوادی‌منش، میثم (۱۳۹۸). «عملیات به‌وقت اشرف (بررسی اقدامات رسانه‌ای گروهک منافقین در هدایت آشوبگران)». آشوب شیطان/ ضمیمه شماره ۹۲۴ هفته‌نامه صبح صادق. آذرماه ۱۳۹۸.
- حبیب‌زاده، اصحاب، بخشی، روح‌الله (۱۳۹۵) «شبکه‌های اجتماعی مجازی و امنیت عمومی»، **مجله دانش انتظامی**، شماره ۴: ۱ - ۳۵.
- حسینی، حسین، مقدم‌فر، حمیدرضا، قنبرپور، مصطفی (۱۳۹۳) «واکاوی نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در حوادث انتخابات ۱۳۸۸ جمهوری اسلامی ایران»، **نشریه آفاق امنیت**، شماره ۲۴.

- حیدری، حسین، شاوردی، ته‌مین (۱۳۹۲) «شبکه‌های اجتماعی مجازی و قومیت؛ فرصت‌ها و تهدیدهای پیشرو»، پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۷۶، ۳۷ - ۶۴.
- رابرت گر، تدا (۱۳۸۵) چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه مرشدی‌زاده، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
- شریفی، رضا (۱۳۸۸). «بررسی ابعاد روان‌شناختی خشونت‌گرایی جمعیت اغتشاشگر و روش‌های تأثیرگذاری بر آن». **فصلنامه مطالعات بسیج**، شماره ۴۵: ۵ - ۳۹.
- ریاحی، محمدرضا (۱۳۹۰). **ایران و آمریکا؛ توسعه تضاد در بستر قدرت نرم و رسانه**، ناشر؛ مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- رئیس‌ی نژاد، آرش (۱۳۹۷) «انقلاب و جنبش‌های نوین: خوانشی نوین»، **فصلنامه رهیافت سیاسی بین‌المللی**، شماره ۴: ۶۱ - ۹.
- رئیس‌ی، محمد؛ پیشگاه هادیان، حمید؛ ایزدی، جهان‌بخش؛ جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۷). «آسیب‌شناسی بحران‌های اجتماعی و الزامات سیاست‌گذاری امنیتی در پیشگیری از آن»، **فصلنامه: امنیت ملی**، شماره دوم: ۷۵ - ۱۰۲.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۸). «اینترنت، جنبش‌های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض‌ها (بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی)». **فصلنامه: پژوهش‌های ارتباطی**، شماره ۴: ۱۵۱ - ۱۷۶.
- ضیایی پیور، حمید، عقیلی، سید وحید (۱۳۸۸) «بررسی نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان کاربران ایرانی»، **فصلنامه رسانه**، شماره ۴: ۲۳ - ۴۳.
- ضیایی پور، حمید. (۱۳۸۸). «جنگ نرم سایبری در فضای شبکه‌های اجتماعی». **فصلنامه رسانه**، سال بیستم. شماره ۲
- عبداللهی فر، حسین (۱۳۹۸). «اعتراض، آشوب یا فتنه؟ ماهیت‌شناسی ناآرامی ۱۳۹۸». **هفته‌نامه صبح صادق**. آشوب شیطان. آذرماه. شماره ۹۲۴.
- غضنفری، عزیز؛ کارگر، علی؛ عالمی، حمزه؛ مجتبی، احمدی؛ مصطفی، برزکار (۱۳۹۸). «واکاوی وقایع، آشوب‌ها و خشونت‌های بی‌سابقه آبان ۹۸». **گاهنامه سخن هادی**. شماره: ۳۸۴ معاونت تحلیل سیاسی سپاه
- لفت پور، محمدعلی (۱۳۹۷) **چهل تدبیر: مروری بر مقاطع بحرانی تاریخ جمهوری اسلامی ایران**، تهران: نشر پرستا.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۴)، **عصر اطلاعات، قدرت هویت**، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، انتشارات طرح نو.
- کبریایی زاده، حسین (۱۳۹۰). «نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری تحولات سیاسی و فرهنگی با تمرکز بر امواج بیداری اسلامی در خاورمیانه»، **فصلنامه: مطالعات روابط فرهنگی بین‌الملل**، شماره ۱: ۳۰ - ۳۷.
- ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۹۰) «بسترهای فرهنگی و اجتماعی در جنگ نرم»، **مطالعات بسیج**، شماره ۵۰: ۸ - ۵۲.
- ماه‌پیشانیان، مهسا. (۱۳۹۰). «شبکه‌های اجتماعی و آسیب‌های سیاسی و روانی». **فصلنامه ره‌آورد نور**، شماره ۳۵: ۱۶ - ۲۱.
- محمدی لرد، عبدالمحمود (۱۳۹۸). «مدل مفهومی سازمان‌دهی در ناآرامی‌های خیابانی». **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره سوم: ۹۸ - ۱۳۴.

محمودی رجا، سید زکریا (۱۳۹۹) شناسایی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان اهواز به سلفی گری در استان خوزستان؛ رویکرد داده بنیاد: مطالعه موردی جوانان شهر اهواز، طرح جایگزین خدمت بنیاد نخبگان در دانشگاه عالی دفاع ملی.

معمار، ثریا؛ عدلی پور، صمد؛ خاکسار، فائز (۱۳۹۱). «شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران)»، مطالعات و تحقیقات اجتماع در ایران. شماره ۴: ۱۵۵ - ۱۷۶.

مهدوی، فرهاد (۱۳۹۸). «آقای وزیر بیدارید؟ (فقدان شبکه ملی اطلاعات و تأثیر آن در شکل‌گیری اغتشاشات)». آشوب شیطان/ ضمیمه شماره ۹۲۴ هفته‌نامه صبح صادق. آذرماه ۱۳۹۸.

میناوند، محمدقلی (۱۳۸۵) «اینترنت و توسعه سیاسی: حوزه عمومی در فضای سایبرنتیک»، فصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره ۱۴۶: ۲ - ۱۱۹.

نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.

نش، کیت (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی‌شدن سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر. نظرپور، مهدی (۱۳۸۶). «نافرمانی مدنی». مجله حصون، شماره ۱۳

مدنی، سعید و دیگران. (۱۳۹۹). «آتش خاموش‌نگاهی به اعتراضات آبان ۹۸ (گزارش داخلی)». مؤسسه رحمان. خبرگزاری مشرق نیوز. (۱۳۹۶). «نقش اخبار جعلی در گسترش اغتشاشات خیابانی ایران» دی‌ماه ۹۶.

<https://www.mashregnews.ir/photo/815793>

خبرگزاری تسنیم. (۱۳۹۸). «سناریوی کشته‌سازی از آشوب‌های اخیر ایران با تصاویری از قربانیان جبهه النصره» آذرماه ۹۸. <https://www.tasnimnews.com/fa/news//2162900>

پایگاه تبیینی تحلیلی مصداق، (۱۳۹۶). «کارکرد شبکه‌های اجتماعی در بحران آفرینی و فتنه». ۲۰ دی ۱۳۹۶. [https://mesdaq.ir/?page\\_id=60083&id=63935](https://mesdaq.ir/?page_id=60083&id=63935)

خبرگزاری میزان. (۱۳۹۸). «تاکتیک کشته‌سازی؛ مهم‌ترین بهانه رودرو قرارداد مردم و حاکمیت». آبان‌ماه ۹۸. <https://www.mizanonline.com/fa/news/569597>

فارس نیوز. (۱۳۹۶). «مروری بر تاکتیک‌های رسانه‌های معاند در هدایت اغتشاشات». دی‌ماه ۱۳۹۶. <https://www.farsnews.ir/news/13961018000369/>

خبر آنلاین. (۱۳۸۸). «نگاهی به شایعات پس از انتخابات (از پاسخ هاشمی تا ماجراهای کهریزک)». آذرماه ۸۸. <http://khabaronline.ir/news-29431.aspx>

<http://nahad.kaums.ac.ir> بیست روش از روش‌های جنگ نرم. (۱۳۹۹).

<http://www.ounraimmogg22009.aanandhfe> "Twttvvv vwuuion".

<https://www.statista.com/statistics> (2019) J. Clement, Aug 14, 2019. Twitter: number of monthly active users 2010-2019

